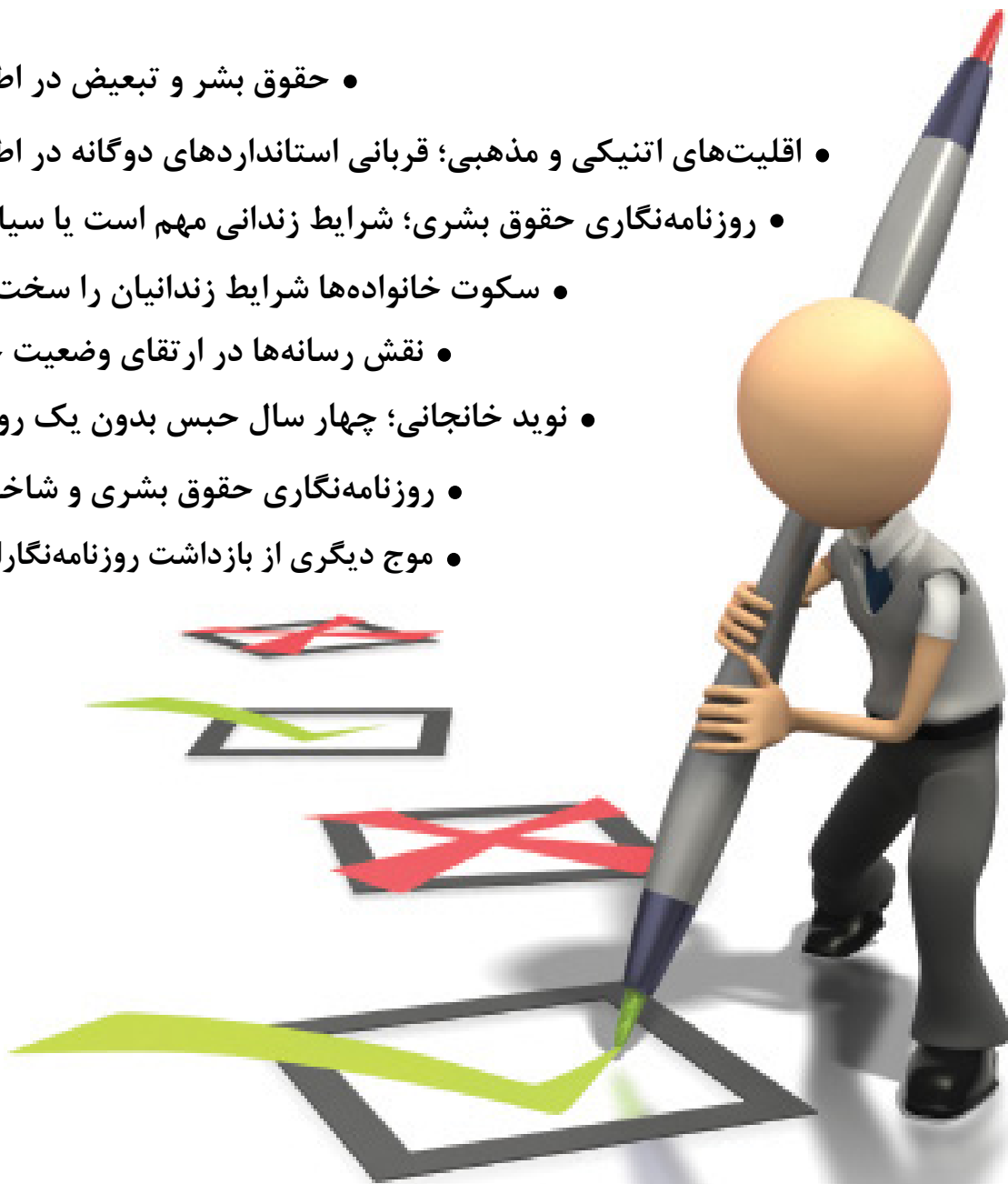


پرونده:

## حقوق بشر و اطلاع رسانی

- حقوق بشر و تبعیض در اطلاع رسانی
- اقلیت‌های اثنیکی و مذهبی؛ قربانی استانداردهای دوگانه در اطلاع رسانی
- روزنامه‌نگاری حقوق بشری؛ شرایط زندانی مهم است یا سیاسی کاری؟
- سکوت خانواده‌ها شرایط زندانیان را سخت‌تر می‌کند
- نقش رسانه‌ها در ارتقای وضعیت حقوق بشر
- نوید خانجانی؛ چهار سال حبس بدون یک روز مرخصی
- روزنامه‌نگاری حقوق بشری و شاخص‌های آن
- موج دیگری از بازداشت روزنامه‌نگاران در ایران



همراه با یادداشت‌ها و گفت‌وگوهایی از:

مرتضی کاظمیان، شاهد علوی، مهدی جامی، شادی صدر، مسیح علی‌نژاد

## بازداشت مدیر یک سایت اطلاع‌رسانی در مهاباد

گزارش‌گران بدون مرز از بازداشت حسن شیخ‌آقایی مدیر سایت روانگه در شهر مهاباد در تاریخ ۱۵ مهرماه ۱۳۹۴ خبر داده است. این روزنامه‌نگار از سوی ماموران لباس شخصی و به دستور شعبه نخست دادسرای عمومی و انقلاب بازداشت شده است. با گذشت بیش از یک هفته از بازداشت وی، خانواده و وکلای محل و دلیل بازداشت او مطلع نشده‌اند.

گزارش‌گران بدون مرز همچنین از محکومیت کیوان کریمی به شش سال زندان و ۲۲۳ ضربه شلاق در تاریخ ۱۷ مهرماه مطلع شده است. این مستندساز جوان از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به اتهام‌هایی چون «توهین به مقدسات و رابطه نامشروع از طریق روبوسی و دست دادن با نامحرم» محاکمه شده است. این اتهام‌ها در رابطه با مستند «نوشتن بر شهر» طرح شده که درباره دیوارنویسی



در شهر است. وکیل کیوان کریمی که در تاریخ ۱۷ مهرماه حکم را دریافت کرده، به این حکم اعتراض کرده است. آخرین جلسه محاکمه این مستندساز در تاریخ ۳۱ شهریور برگزار شد؛ اما تاریخ صدور حکم اول تیرماه است.

کیوان کریمی پیش از این در تاریخ ۲۳ آذر ۹۲ از سوی ماموران سپاه پاسداران بازداشت شده و دوازده روز در بند دو الف زندان اوین به سر برده و با قید کفالت به شکل موقت آزاد شده بود.

## یک شهروند ایرانی - آمریکایی به هشت سال حبس محکوم شد

مظفر خزاعی، شهروند ایرانی - آمریکایی از سوی دادگاهی در آمریکا به اتهام «تلاش برای انتقال اطلاعات و قطعات حساس نظامی آمریکا به ایران» به هشت سال و یک ماه حبس محکوم شد. به گزارش رادیو زمانه، این حکم از سوی دادگاهی در ایالت «کانکتیکات» آمریکا صادر شده و خزاعی نیز اتهام خود را پذیرفته است.

این شهروند ایرانی - آمریکایی در حالی به هشت سال و یک ماه حبس محکوم شده است که دادستان‌ها برای او درخواست ۱۰ سال حبس کرده بودند. به گفته دادستان‌ها، خزاعی قصد داشت ۱۵۰۰ سند سری تجاری و ۶۰۰ سند حساس نظامی را به ایران بفرستد. مظفر خزاعی ۶۱ ساله پیشتر به عنوان مهندس در یکی از شرکت‌های پیمان‌کار دفاعی آمریکا به نام «پرات اند وینتی» کار می‌کرد. او در ژانویه ۲۰۱۴ هنگام خروج از آمریکا به دلیل این‌که «قطعاتی حساس مربوط به موتور جنگنده‌های اف ۳۵ و اف ۲۲ را



همراه داشت» بازداشت شد.

خزاعی افزون بر این متهم شده که با طرف‌های ایرانی «ایمیل‌هایی حاوی اطلاعات حساس رد و بدل کرده است». وی در دادگاه گفته که این اطلاعات را با هدف ارسال معرفی‌نامه‌اش برای تدریس به دانشگاهی در تهران فرستاده است. ونیسا برایانت، قاضی منطقه‌ای آمریکا حکم داده است که این شهروند پس از پایان دوره محکومیتش باید سه سال نیز تحت نظر قرار بگیرد.

## مهتاب محمدی، نوکیش مسیحی در تهران بازداشت شد

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران مهتاب محمدی، نوکیش مسیحی ساکن تهران را بازداشت کردند. هرانا گزارش داده که محمدی شامگاه جمعه اول آبان پس از بازداشت به محلی نامعلوم منتقل شده است.

چندی پیش نیز مادر و خواهر مهتاب محمدی که هر دو از نوکیشان مسیحی هستند توسط نیروهای امنیتی احضار شده بودند؛ اما به دلیل خودداری از حضور در محل تعیین شده، نیروهای امنیتی به خانه مهتاب محمدی رفتند و او را بازداشت کردند.

مرداد امسال نیز دست‌کم هشت تن از اعضای یک کلیسای خانگی در کرج توسط ماموران امنیتی بازداشت شدند. آمار دقیقی از



نوکیشان مسیحی در ایران در دست نیست؛ ولی سازمان بین‌المللی «اوپن دورز» که در مورد مسیحیان تحت فشار در جهان اطلاع‌رسانی می‌کند، می‌گوید که حدود نیمی از مسیحیان ایرانی، نوکیش هستند.

## پنج سال زندان برای اسماعیل گرامی مقدم مشاور نایب‌نای مهدی کروبی

نعمت احمدی، وکیل اسماعیل گرامی‌مقدم، سخنگوی حزب اعتماد ملی که تیر ۹۴ لحظاتی پس از ورود به کشور در فرودگاه امام خمینی بازداشت و ۲۹ مهر به قید وثیقه یک میلیارد تومانی موقتاً از زندان اوین آزاد شد، به کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران گفت که دادگاهش روز هفتم مهر ۹۴ به ریاست قاضی صلواتی برگزار شده است. آقای احمدی همچنین گفت که هنوز حکم را رویت نکرده، اما حکم صادره به موکل‌اش ابلاغ شده است. وی گفت: «یک سال حبس برای فعالیت تبلیغی علیه نظام که پیش‌تر به صورت غیابی صادر شده بود، تأیید شده و برای اجتماع و تبانی علیه نظام هم پنج سال حبس برای او در نظر گرفته شده است. ما در مهلت ۲۰ روزه به این حکم اعتراض می‌کنیم و خواهان تجدید نظر هستیم».

این وکیل دادگستری در ادامه گفت: «گرامی‌مقدم در سال ۸۹ برای ادامه تحصیل به هند و سپس مالزی رفت و در آنجا با مشکلاتی در ناحیه چشم رو به رو شد. همان زمان پرونده‌ای با عنوان تبلیغ علیه نظام با استناد بر ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی [هرکس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد] برای او باز شده و به صورت غیابی به یک سال حبس محکوم شد و به همین علت تیر ۹۴ در هنگام برگشت به ایران در فرودگاه دستگیر شد. گرامی‌مقدم برای حکم یک سال حبس تقاضای دادخواهی داد؛ اما پرونده جدیدی تحت عنوان اجتماع و تبانی علیه نظام به دلیل مصاحبه‌ها و اطلاعیه و اعلامیه‌های که با دیگر نمایندگان ادوار خارج از کشور تنظیم کرده بودند، برای او باز شد». احمدی همچنین گفت در دادگاه او که روز هفتم مهرماه برگزار شده این دو پرونده «تجمیع» شده است.

نعمت احمدی با اشاره به وضعیت بینایی گرامی‌مقدم گفت: «او بین ۹۵ تا ۹۷ درصد از بینایی خود را از دست داده و حتی نور را هم تشخیص نمی‌دهد. انسانی که نابیناست و در بزرگسالی نابینا شده

## موج دیگری از بازداشت روزنامه‌نگاران در ایران

گزارش‌گران بدون مرز قاطعانه موج تازه بازداشت روزنامه‌نگاران در ایران را محکوم می‌کند از تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۹۴ دست کم چهار روزنامه‌نگار بازداشت شده‌اند و شماری دیگر برای بازجویی احضار و یا با تلفن بازجویی و تهدید شده‌اند.

این بازداشت‌ها پس از سخنرانی‌های علی خامنه‌ای از این میان سخنرانی بیست و پنج شهریور وی برای فرماندهان سپاه پاسداران انجام گرفته‌اند، رهبر جمهوری اسلامی در این سخنرانی نسبت به «نفوذ سیاسی و فرهنگی آمریکا در کشور» هشدار داد.

آفرین چیت‌ساز، ستون نویس روزنامه دولتی ایران، احسان مازندارنی مدیر مسئول روزنامه فرهیختگان، سامان صفرزایی همکاری بسیاری از رسانه‌ها و از این میان اندیشه‌پویا، و عیسی سحرخیز روزنامه‌نگار مستقل و مدیر مسئول چندین نشریه اطلاع‌طلب، پس از بارزسی منازل‌شان بازداشت و به محل نامعلومی منتقل شده‌اند.

با آنکه اتهام‌های این روزنامه‌نگاران را مسئولان قضایی اعلام



هنوز به این وضعیت عادت ندارد. چندباری در زندان زمین خورده و سرش شکسته بود. یکی باید او را حمام و دستشویی و ... ببرد و به تنهایی قادر به انجام کارهایش نیست. زندان که یک محیط پر تردد است برای شخصی با این ویژگی مناسب نیست».

وکیل گرامی‌مقدم همچنین گفت: «پزشک قانونی و پزشک زندان اوین اعلام کرده‌اند که او توانایی تحمل حبس را ندارد. اگر دادگاه تجدیدنظر هم به حبس رای بدهد، از زاویه پزشکی وارد می‌شویم، چرا که ایشان ناتوان است و قادر به تحمل حبس نیست. اخیراً تصویب کردند نابینایان نمی‌توانند نماینده مجلس شوند. طبیعتاً نابینا تحمل حبس هم نمی‌تواند بکند».

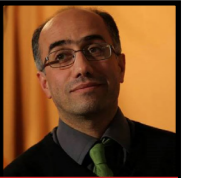
نعمت احمدی با اشاره به اینکه اگر اسماعیل گرامی مقدم در بدو ورود به ایران بازداشت نمی‌شد، شاید امکان درمان و بهبود وضعیت چشمان‌اش وجود داشت، گفت: «او جانباز است و ترکش‌هایی که از زمان جنگ در بدن‌اش است او را آزار می‌دهد. شب‌ها از زندان زنگ می‌زد و از درد این ترکش‌ها می‌گفت».

آقای گرامی‌مقدم، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی، مشاور مهدی کروبی و سخن‌گوی حزب اعتماد ملی پس از پلمپ دفتر حزب اعتماد ملی و حوادث انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ برای تحصیلات تکمیلی به هندوستان و مالزی رفت. او پس از پایان دوره دکتری روز ۲۶ تیرماه به ایران بازگشت اما در همان فرودگاه امام خمینی از سوی ماموران وزارت اطلاعات بازداشت شد.



نکرده‌اند اما رسانه‌های سپاه پاسداران تسنیم و یا خبرگزاری فارس نیوز، و صدا و سیما جمهوری اسلامی به شکلی هماهنگ، حتی پیش از تأیید خبر بازداشت از سوی خانواده‌ها، با انتشار سابقه بازداشت برخی از این روزنامه‌نگاران در سال ۱۳۸۸ و برخی مسائل زندگی خصوصی آنها، اتهام بازداشت‌شدگان را از جمله «اقدام علیه امنیت ملی و برخی ارتباطات با بیگانگان» اعلام کرده‌اند.

## حقوق بشر و تبعیض در اطلاع‌رسانی



مر تزی کاظمیان

«در آغاز نازی‌ها سراغ کمونیست‌ها را گرفتند تا با خود ببرند و سر به نیست کنند، من سکوت کردم و هیچ نگفتم، چون کمونیست نبودم.»

بعد از کمونیست‌ها در پی اتحادیه‌های کارگری رفتند اما چون در شمار آنان نیز نبودم سکوت کردم.

یهودی‌ها را که هدف گرفتند بازهم واکنشی نشان ندادم چون من یهودی نبودم.

تا اینکه سراغ خودم آمدند. وقتی مرا دستگیر کردند دیگر کسی نبود تا صدایی به اعتراض بلند کند»\*

آنچه در شعرگونه‌ی فوق آمده، به اختصار و ایجاز از واقعیتی تلخ پرده برمی‌گیرد. آنجا که حقوق بشر و به‌طور مشخص، اطلاع‌رسانی درباره‌ی موارد نقض آن یا واکنش افراد به تضييع حقوق بشر، با نوعی دسته‌بندی، «خودی - غیرخودی» کردن یا سانسور همراه می‌شود.

شمار رسانه‌ها و روزنامه‌نگارانی که به پاره‌ای مصلحت‌ها و به شکل‌های گوناگون و در سطوح مختلف، رعایت اصول اخلاقی و حرفه‌ای را وامی‌نهند و رعایت هنجارها و ارزش‌ها و سیاست‌های خود را در اولویت قرار می‌دهند متأسفانه کم نیست.

اصول حرفه‌ای و اخلاقی در روزنامه‌نگاری

رعایت اصول اخلاقی و حرفه‌ای از مهم‌ترین مولفه‌ها و دلایل کامیابی رسانه‌ها و نیز اعتماد و اطمینان مخاطبان به کنش حرفه‌ای آنهاست. بی‌طرفی در انتقال اخبار و داده‌ها، صحت خبر و دقت در انتشار رویداد، رعایت انصاف، پاسخ‌گویی به مخاطب و احترام به حقیقت را شاید بتوان سرفصل این اصول کاری دانست. البته این سرفصل‌های کلی در نظام‌نامه‌ها یا مقررات اخلاقی انجمن‌ها و نهادهای مرجع و مستقل و بین‌المللی روزنامه‌نگاری به شکل‌های گوناگون تدقیق و تبیین و فهرست شده است.

به‌عنوان نمونه، انجمن روزنامه‌نگاران حرفه‌ای (SPJ) این موارد را ضروری می‌داند و بر آنها تأکید دارد:

ابتنای کار حرفه‌ای بر راستی و گزارش صادقانه‌ی اخبار، رعایت انصاف و بی‌طرفی، پرهیز از تحریف، جسارت و شجاعت در گردآوری خبر و گزارش رویداد، استقلال حرفه‌ای و پرهیز از تبعیض قومی، مذهبی، جنسی، نژادی، زبانی و سیاسی.

یا در مجموعه مقررات عملی اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری انگلستان برخی شاخصه‌ها و مولفه‌های اساسی مورد تأکید قرار

گرفته و ازجمله تصریح شده است که باید از تبلیغ تبعیض نژادی، قومی، مذهبی، و جنسی خودداری شود.

### • چرایی فاصله‌ی رسانه‌ها از وضع مطلوب

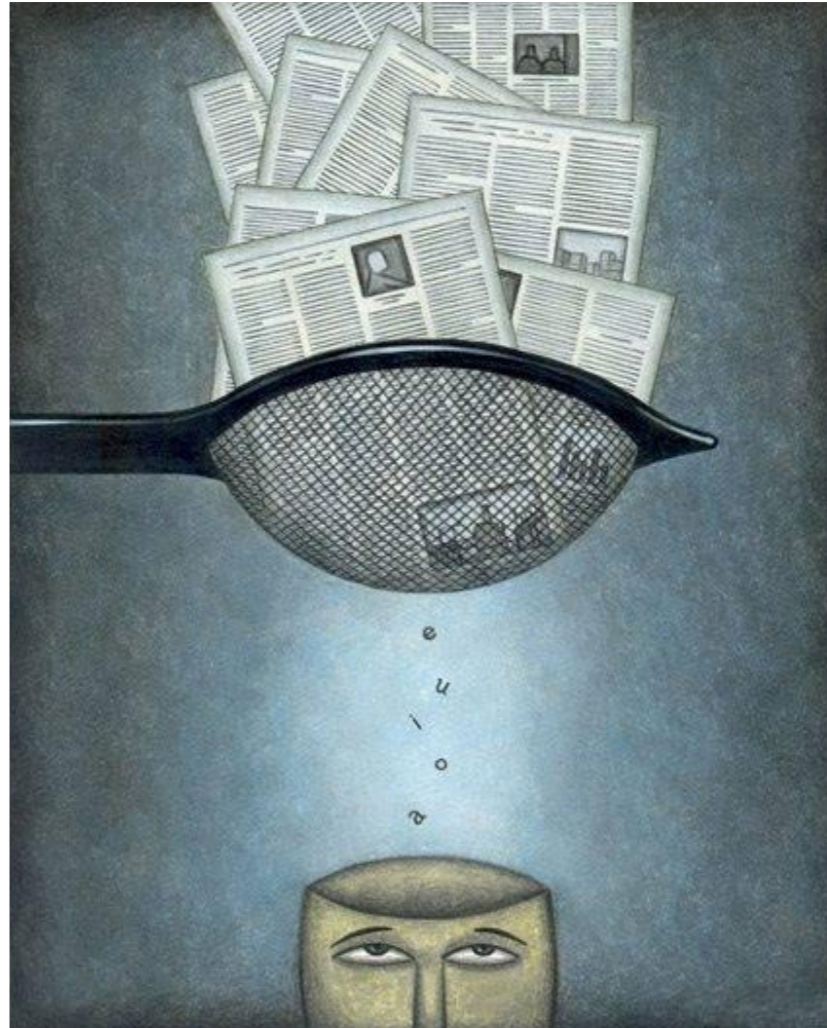
اصول اخلاقی و شاخصه‌های حرفه‌ای پیش گفته اما متأسفانه در موارد متعددی نقض می‌شود یا مورد اعتنای روزنامه‌نگاران و اصحاب رسانه قرار نمی‌گیرد. چرایی این موضوع، پرسش و مقوله‌ی بسیار مهمی را شامل می‌شود که پاسخ به آن نه آسان است و نه مختصر؛ اما شاید بتوان دو ملاحظه‌ی مهم زیر را در تکوین این وضع ناگوار یا نامطلوب موثر دانست:

۱. عدم استقلال حرفه‌ای رسانه؛

رسانه‌ی وابسته به حکومت یا کانون‌های قدرت یا احزاب سیاسی، ناگزیر از رعایت اولویت‌ها و شاخصه‌هایی است که استقلال و خبررسانی بی‌طرفانه و تعهد به کشف حقیقت و رعایت حقوق بشر را مخدوش می‌کند. استقلال کنش‌گر رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی مستقل - آگاهانه یا ناآگاهانه - تحت تأثیر قدرت‌های سیاسی و ایدئولوژیک، یا کانون‌های قدرت و ثروت، قرار می‌گیرد. چنین است که فهرستی از «خودی»ها یا موارد مجاز برای اطلاع‌رسانی، و فهرستی از «غیرخودی»ها یا موارد غیرمجاز برای اطلاع‌رسانی شکل می‌گیرد.

۲. فقدان فضای آزاد و امن برای اطلاع‌رسانی مستقل و بی‌طرفانه و منصفانه؛

رژیم‌های اقتدارگرا نه تنها در وجه ایجابی، بازوهای تبلیغاتی و



رسانه‌ای مطلوب خود را سامان می‌دهند و به نشر دروغ و تحریف حقیقت و اطلاع‌رسانی غیرصادقانه می‌پردازند؛ بلکه در سوی سلبی نیز با اعمال فشار و تهدید و محدودیت علیه رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران، هم سانسور را عمق می‌بخشند و هم موجد خودسانسوری می‌شوند. نتیجه‌ی تلخ، فقدان اطلاع‌رسانی متعهد به حقیقت و فاصله گرفتن از انصاف و بی‌طرفی و رعایت حقوق بشر است.

### • افکار عمومی و نقض حقوق بشر

«افکار عمومی» از مهم‌ترین مفاهیمی است که در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در عرصه سیاست و رسانه مورد توجه قرار می‌گیرد. از مفهوم «افکار عمومی» غالباً برداشت‌های سطحی ارایه شده است؛ از جمله: گردآوری نقطه نظرات، عقاید و موضوعات مورد توجه یا نفع عمومی و موضوعات مورد توجه یا نفع عمومی

یورگن هابرماس نظریه‌پرداز برجسته معاصر اما «افکار عمومی» را به‌مثابه‌ی یکی از ابزارهای اساسی تجلی عینی و عملی «سپهر عمومی» تحلیل می‌کند. به باور هابرماس، «افکار عمومی» زمانی شکل می‌گیرد که شهروندان بتوانند در مورد مسایل مورد علاقه عمومی و منافع عمومی، به‌گونه‌ای آزاد و بدون قید و بند و مشکل و مانع، یعنی با تضمین آزادی اجتماعات و انجمن‌ها، آزادی بیان و چاپ و نشر افکارشان، با یکدیگر مشورت و تبادل نظر کنند.

به عقیده‌ی هابرماس، در این قلمروها (سپهر عمومی مانند: محافل و مجامع سیاسی، تجمعات، مطبوعات و رسانه‌ها، وبلاگ‌ها و شبکه‌ها و سایت‌های اینترنتی) و در جریان گفت‌وگوها و مکالمه‌های آزاد و بدون هراس و ترس و دور از اجبار و اضطراب در مورد مصالح عمومی است که «افکار عمومی» شکل می‌گیرد.

این چنین، وقتی «سپهر عمومی» توسط رژیم‌ی اقتدارگرا مورد تهدید قرار گیرد، تکوین «افکار عمومی» به شکلی قابل حدس و به‌طور جدی آسیب خواهد دید.

هنگامی که نه اطلاع‌رسانی دقیق و همه‌جانبه و منصفانه و مستقلى در کار است و نه شهروندان از امکان گفت‌وگوی

امن و آزاد در مورد موارد نقض حقوق بشر برخوردارند، مفهومی به نام «افکار عمومی» (آن‌چنان که هابرماس می‌گوید) سامان نمی‌یابد یا به‌شدت مخدوش خواهد شد.

### • ایران؛ درهم‌تنیدگی فاکتورها

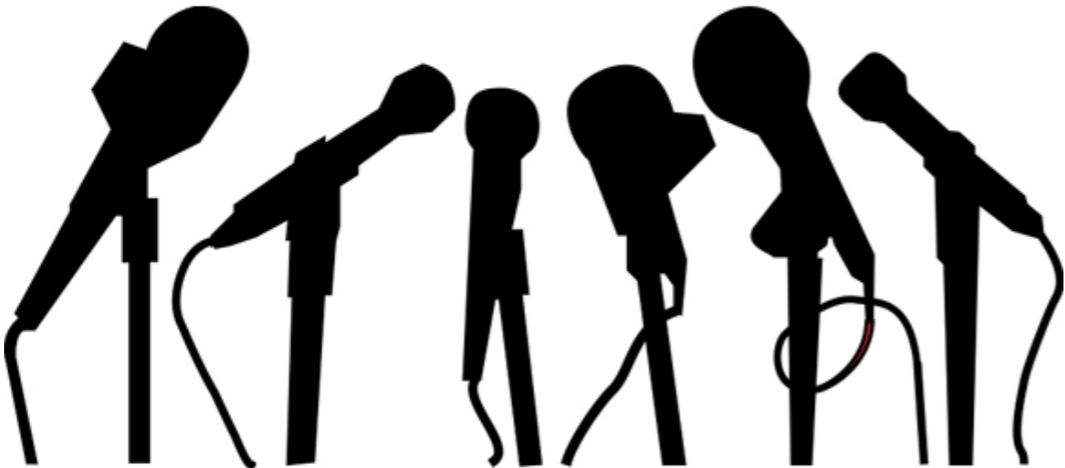
در مورد مشخص ایران، متأسفانه افزون بر استقرار رژیم اقتدارگرایی که از یک‌سو با دستگاه رسانه‌ای عریض و طویل خود (صدا و سیما) و نیز بازوهای رسانه‌ای و تبلیغاتی به تکثیر و نشر دروغ و تحریف حقیقت مشغول است؛ و از سوی دیگر، آزادی رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران و سپهر عمومی را در داخل کشور تحت تهدید و تحدید قرار می‌دهد، شاهد مولفه‌های موثر دیگری نیز هستیم؛ ازجمله این‌که:

- بخش مهمی از رسانه‌های خارج از کشور یا در امان از سانسور حکومتی، بسته به مصالح سیاسی یا جناحی و حزبی یا وجوه مرتبط با راهبرد سیاسی خود یا علقه‌ها و وابستگی‌های ایدئولوژیک و یا حتی منافع مادی، وجه یا وجوهی از نقض حقوق بشر را پوشش نمی‌دهند و در سطوح متفاوتی از اخلاق و اصول و استانداردهای رسانه‌ای فاصله می‌گیرند.

- بخش مهمی از جامعه، دست به گریبان با مشکلات معیشتی و گرفتار در هزارتوی معاش و تأمین هزینه‌های اولیه‌ی زندگی، حوصله یا مجال یا دغدغه‌ی تأمل در نقض حقوق بشر و گفت‌وگو در مورد آن را ندارد یا آن را در زندگی شخصی واجد اولویت نمی‌داند.

- درنهایت، متأسفانه هنوز این خودآگاهی در بخش قابل توجهی از جامعه و به‌ویژه در میان کنش‌گران سیاسی و رسانه‌ای شکل نگرفته که نقض حقوق بشر را صرف‌نظر از مذهب و عقیده و آیین و دیدگاه‌های سیاسی و تمایزهای تشکیلاتی و راهبردی در دستور کار قرار دهند و در مورد آن اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی کنند و کنش انتقادی فعال و مستقل پی گیرند.

\* پی‌نوشت: شعرگونه‌ی مشهور مارتین نيمولر، کشیش پروتستان ضدنازیس (۱۸۹۲ تا ۱۹۸۴)؛ متنی که در اشتباهی رایج به برتولت برشت، نویسنده و شاعر مشهور آلمانی نسبت داده می‌شود.



«افکار عمومی» از مهم‌ترین مفاهیمی است که در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در عرصه سیاست و رسانه مورد توجه قرار می‌گیرد. از مفهوم «افکار عمومی» غالباً برداشت‌های سطحی ارایه شده است؛ از جمله: گردآوری نقطه نظرات، عقاید و موضوعات مورد توجه یا نفع عمومی و موضوعات مورد توجه یا نفع عمومی

یورگن هابرماس نظریه‌پرداز برجسته معاصر اما «افکار عمومی» را به‌مثابه‌ی یکی از ابزارهای اساسی تجلی عینی و عملی «سپهر عمومی» تحلیل می‌کند. به باور هابرماس، «افکار عمومی» زمانی شکل می‌گیرد که شهروندان بتوانند در مورد مسایل مورد علاقه عمومی و منافع عمومی، به‌گونه‌ای آزاد و بدون قید و بند و مشکل و مانع، یعنی با تضمین آزادی اجتماعات و انجمن‌ها، آزادی بیان و چاپ و نشر افکارشان، با یکدیگر مشورت و تبادل نظر کنند.

## نقش رسانه‌ها در ارتقای وضعیت حقوق بشر



روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها به عنوان رکن چهارم دموکراسی نقش مهمی در گسترش و بالا بردن سطح حقوق بشر و آگاهی‌بخشی در این زمینه دارند. در عین حال، رسانه‌ها می‌توانند با ایفای نقش منفی، حقوق بشر را مورد تعرض قرار دهند. رسانه‌ها و فعالین رسانه‌ای چطور می‌توانند نقش خود در حمایت از حقوق بشر را ایفا کنند؟ عوامل موفقیت یا شکست آنها در گسترش فرهنگ حقوق بشر چیست؟

نسرین حسونه

دکترای روزنامه‌نگاری از دانشگاه غزه



ترجمه:

علی مهتدی

## • رسانه‌ها و گسترش حقوق بشر

رسانه‌ها در یک جامعه دموکراتیک نقش مشخصی در زمینه گسترش حقوق بشر دارند. از یک سو، رسانه‌ی مستقل می‌تواند نقش ناظر و منتقد حکومت و سازمان‌ها و ابزارهای آن را ایفا کرده و مسوولین را وادار به پاسخ‌گویی کند و از سوی دیگر، در یک جامعه دموکراتیک که چند صدایی فکری و سیاسی در آن وجود دارد، رسانه بازتاب این چند صدایی است و به گروه‌های مختلف فکری و سیاسی اجازه می‌دهد تا بر افکار عمومی تاثیر بگذارد.

در سایه پیچیدگی‌های مفهوم حقوق بشر و رابطه این موضوع با توسعه بشری، رسانه‌ها مسوولیت‌هایی در گسترش مفهوم حقوق بشر دارند:

- تعریف حقوق بشر و گسترش فرهنگ احترام به اصول آن
- مبارزه با هرگونه محدودسازی یا از بین بردن حقوق بشر
- تحریک افکار عمومی برای مطالبه حقوق بشر
- آگاهی‌بخشی برای بهره‌برداری از حقوق طبیعی که هر انسانی دارا است
- بالا بردن فرهنگ عمومی برای رعایت حقوق دیگر افراد یا گروه‌ها
- رسانه‌ها می‌توانند سهم بزرگی در تعریف حقوق بشر و گسترش فرهنگ آن بین گروه‌ها و افراد فرو دست جامعه ایفا کرده و از نقض حقوق بشر جلوگیری کنند تا بدین ترتیب مفاهیمی مثل دموکراسی، آزادی بیان و آزادی اندیشه در جامعه گسترش و ثبات بیشتری پیدا کند.
- در یک جامعه دموکراتیک، رسانه نقش مهمی در تعریف و

توافق‌نامه‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر -۶ ایجاد راه‌کارهایی ثابت برای بررسی دوره‌ای و مدون حقوق بشر

۷- همکاری بین رسانه‌ها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی با هدف گسترش فرهنگ حقوق بشر.

۸- ایجاد جریان آزاد اطلاع‌رسانی با تاکید بر این امر که شنیده شدن صداها و نظرات متفاوت، یکی از اصول حقوق بشر است

رابطه بین حقوق بشر و رسانه‌ها یک رابطه‌ی دو طرف است، بدین مفهوم که بدون رسانه‌ها؛ حقوق بشری وجود نخواهد داشت و در عین حال، حقوق بشر تنها در صورتی رعایت شده و فرهنگ آن گسترش می‌یابد که رسانه‌های قدرتمند و آگاه وجود داشته باشند. رسانه‌ها در واقع نخستین و مهم‌ترین ابزار برای ضمانت اصل آزادی بیان و اندیشه در یک جامعه هستند که این امر در میثاق‌ها و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی مختلف نیز ذکر شده است.

## • رابطه روزنامه‌نگاری با فرهنگ حقوق بشر

بسیاری از پژوهش‌گران معتقدند که محورهای جدل‌آمیزی در مورد ارتباط روزنامه‌نگاری با فرهنگ حقوق بشر وجود دارد.

رسانه‌ها در صورتی می‌توانند فرهنگ حقوق بشر را گسترش دهند که در جامعه حداقلی از دموکراسی و آزادی وجود داشته باشد. رسانه‌ها به تنهایی نمی‌توانند در این زمینه تاثیرگذار باشند. در حقیقت این تنها رسانه‌ها نیستند که وظیفه فرهنگ‌سازی در جامعه را بر عهده دارند و در صورتی تاثیرگذاری آنها افزایش می‌یابد که با خانواده، مدرسه و نهادهای جامعه مدنی در یک راستا قرار گرفته و دستیابی به این هدف را پیگیری کنند. در عین حال نباید فراموش کرد که به خاطر انقلاب تکنولوژی و گستردگی شبکه‌های اطلاع‌رسانی، رسانه‌ها قدرت شگرفی برای تاثیرگذاری بر ذهن و وجدان جامعه دارند. به همین دلیل در پیش گرفتن راه و روشی هماهنگ برای گسترش فرهنگ حقوق بشر به نوعی یک وظیفه مقدس برای رسانه‌ها به شمار می‌آید.

در جوامعی که آزادی مطلق وجود ندارد، مسوولیت مطلق و انحصاری هم برای رسانه‌ها نمی‌توان تصور کرد. تنها در صورتی که بین آزادی و مسوولیت در یک جامعه هماهنگی وجود داشته باشد، رسانه‌ها می‌توانند در زمینه حقوق بشر فرهنگ‌سازی کرده و درک شهروندان از حقوق و آزادی‌های خود را افزایش دهند.

## • تاثیر حقوق بشر بر رسانه‌ها

آزاد بودن فعالیت روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها یک امتیاز خاص برای آنها محسوب نمی‌شود؛ اما بخش مهمی از آزادی‌های عمومی است و تنها در شرایطی حاصل می‌شود که اکثریتی از مردم آن جامعه با حقوق اساسی خود که در میثاق‌ها و قوانین مختلف بین‌المللی و محلی ذکر شده، آشنایی داشته باشند.

رسانه‌ها در صورتی می‌توانند فرهنگ حقوق بشر را گسترش دهند که در جامعه حداقلی از دموکراسی و آزادی وجود داشته باشد.

رسانه‌ها به تنهایی نمی‌توانند در این زمینه تاثیرگذار باشند. در حقیقت این تنها رسانه‌ها نیستند که وظیفه فرهنگ‌سازی در جامعه را بر عهده دارند و در صورتی تاثیرگذاری آنها افزایش می‌یابد که با خانواده، مدرسه و نهادهای جامعه مدنی در یک راستا قرار گرفته و دستیابی به این هدف را پیگیری کنند. در عین حال نباید فراموش کرد که به خاطر

انقلاب تکنولوژی و گستردگی شبکه‌های اطلاع‌رسانی، رسانه‌ها قدرت شگرفی برای تاثیرگذاری بر ذهن و وجدان جامعه دارند. به همین دلیل در پیش گرفتن راه و روشی هماهنگ برای گسترش فرهنگ حقوق بشر به نوعی یک وظیفه مقدس برای رسانه‌ها به شمار می‌آید.

از دیگر سو، بیشتر کشورهای ثروتمند و موسسات مالی جهانی، ادامه کمک‌های اقتصادی و سیاسی خود به کشورهای در حال توسعه را به میزان احترام آنها به حقوق بشر و پیشرفت دموکراسی و در راس همه، آزادی مطبوعات منوط کرده‌اند. بروز موج‌های خشونت و تندروی و حتی تروریسم مسلحانه، ریشه در مسایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد اما در هر شکل، این رخدادها تاثیر مستقیم و غیر قابل انکاری بر حقوق بشر و آزادی‌های عمومی به خصوص آزادی رسانه‌ها دارد.

تردیدی نیست که روی دیگر آزادی، مسوولیت است. اگر قوانین به گونه‌ای تدوین شود که آزادی را تامین کند، مسوولیت متوجه وجدان افراد یک جامعه است. در صورتی که در چنین جامعه‌ای، رسانه‌های آزاد وجود داشته باشد و وضعیت جامعه و رفتار حکومت را دیده‌بانی کرده و به وقت لزوم آن را نقد کند؛ سطح و فرهنگ حقوق بشر بالا می‌رود.

موضوع تعهد به اصول کلی حقوق بشر در زمینه آزادی مطبوعات سه مساله را پیش می‌کشد:

- محدودیت‌ها و استثناهایی که در مورد آزادی مطبوعات وجود دارد که در ماده ۱۹ از میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ ذکر شده: «هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود است. اعمال حقوق مذکور مستلزم حقوق و مسوولیت‌های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای احترام به حقوق یا حیثیت دیگران و حفظ امنیت ملی، نظم عمومی و سلامت و اخلاق ضرورت داشته باشد.»

- استانداردهای قانونی که می‌توان نمونه آنها را در قوانین مربوط به آزادی رسانه‌ها در کشورهای دموکراتیک مشاهده کرد.

- ایجاد توازن بین آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها با آزادی‌های عمومی و حقوق افراد در یک جامعه.

## • رسانه و نقض حقوق بشر

آزادی مطبوعات و استقلال موسسات رسانه‌ای سنگ بنای اصلی یک جامعه دموکراتیک است. رسانه‌های آزاد این قدرت را دارند که هر گونه نقض حقوق بشر را فاش کرده و بدین ترتیب راه را بر گسترش فساد در جامعه ببندند. برای تامین این هدف، رسانه‌ها باید به منابع اطلاعاتی موثق دسترسی داشته باشند تا بدین ترتیب شهروندان، فعالان حقوق بشر، سازمان‌ها و موسسات عمومی و خصوصی بتوانند در زمینه گسترش فرهنگ حقوق بشر فعال‌تر شوند. رسانه‌ها در عین این‌که ضامن حفظ و ارتقای حقوق بشر هستند، می‌توانند ناقض آن نیز باشند. نقض حقوق بشر توسط رسانه‌ها به دو شکل مستقیم و غیر مستقیم صورت می‌گیرد.





دهم اینجا نظر رضا معینی - مسوول بخش فارسی سازمان گزارش‌گران بدون مرز - را بیاورم که در همین موضوع از او پرسیده بودم و گفته بود: «همه فعالان می‌دانند که خانواده‌ها رابط دو سوپه هستند و باید سالم بمانند تا با قدرت مذاکره و شرایط را برای زندانیان بهتر کنند. اگر ما آن‌ها را به بازی اعمال فشار خود بکشیم، عملاً زندانی را از این امکان مصالحه و مذاکره محروم کرده‌ایم. این از زمان شاه وجود داشته است. سیاست مجاهدین و برخی گروه‌های چپ این بود که در سال شصت خانواده را

به تشکیلات کشاندند و نتیجه آن محروم شدن زندانیان از حق دفاع بود». بنا بر این مساله اصلی این است که حمایت از زندانی باید در چارچوب مصلحت‌سنجی خانواده او مطرح شود. وانگهی از نظر خبری هم خانواده منبع درجه اول است. اگر ما خبری داریم که خانواده ندارد بحث دیگری است؛ اما در اغلب موارد خانواده منبع خبر است و باید منبع خبر هم بماند و طبعاً مثل هر خبر دیگر منافع منبع خبری باید دیده شود و محترم بماند.»

شادی صدر معتقد است که در مسایلی که تابوهای جامعه ایران را در خود پنهان دارد اگر روزنامه‌نگاری اخبار این‌چنینی را منتشر نکند یا در تهیه گزارش خود اصل بی‌طرفی را رعایت نکند، «تحت تاثیر فرهنگی است که از آن برآمده. تقریباً بیشتر روزنامه‌نگارانی که روی این قضیه مشغول شدند یا نشدند با بکارت و بدن زن مساله داشتند. در حالی که ذهنیت خبرنگار نیز درست مثل ذهنیت خانواده است و باعث بازتولید مفاهیم سنتی می‌شود. یعنی به رسمیت شناختن این که خانواده مالک بدن زن است». این حقوق‌دان چنین انتقادی را به خانواده‌های زندانیان دهه شصت نیز وارد کرده که به دلیل تابوهای فرهنگی علی‌رغم خواست یک زندانی، اخبار مربوط به «تجاوزهای جنسی» یا «تست بکارت» را به خارج از زندان منتقل نکردند. اما مواردی نیز وجود دارد که روزنامه‌نگار یا رسانه از یک خبر مطمئن‌اند اما خود زندانی یا شخصی که مقصود خبر است به هر دلیلی موافق نشر آن نیست. در چنین مواردی چه باید کرد و اخلاق رسانه چه می‌گوید؟

جامی معتقد است که این مساله از «برنگاه‌های دشوار» است که نمی‌توان در مورد آن حکم کلی ارایه داد: «زمانی فرج سرکوهی در آن داستان مشهور گرفتار بود و ما باید خبرش را کار می‌کردیم. چه باید می‌کردیم؟ او تحت فشار، چیزهایی را تکذیب

می‌کرد و ما می‌دانستیم که چیزهایی را پنهان می‌کند؛ اما ما نمی‌توانستیم تکذیب او را نادیده بگیریم. باید هر دو سوی قضیه را مطرح می‌کردیم. باید می‌گفتیم آقای سرکوهی خودش شایعاتی را که مطرح شده تکذیب می‌کند؛ اما مساله این است که روشن نیست خودش در چه شرایطی قرار دارد و آیا به اندازه کافی احساس امنیت می‌کند یا نه. یا کسی را به دادگاه برده‌اند به اتهام اینکه فساد مالی داشته است. ممکن است درست باشد و ممکن است نباشد. بنا بر این باید بگوییم فلانی را به زندان برده‌اند؛ ولی منتقدان بازداشت او می‌گویند اتهام‌ها انگیزه سیاسی دارد تا بدین ترتیب هر دو احتمال را پوشش داده باشیم. اما در مورد جان افراد باید بسیار محتاط بود و از هرگونه تندروی خودداری کرد. در این مورد سیاست‌های سردبیری در هر سازمان رسانه‌ای اساس است.»

شادی صدر نیز ضمن انتقاد از «شتاب» روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها در انتشار تکذیبیه‌هایی مانند آن‌چه در مورد آتنا فرقدانی رخ داد به لزوم استفاده روزنامه‌نگار از دو منبع اشاره کرد: «کار خبرنگار بایستی این باشد که هر دو طرف یک اتفاق را پوشش دهد. بسیاری، اصل مهم دو منبع داشتن را نقض می‌کنند، چرا که در شرایط ایران در برخی موارد این اصل که هر خبری باید دو منبع داشته باشد یا یک مقام رسمی آن را تایید کند اصلاً کارایی ندارد. آن قواعد تا جایی به درد می‌خورد که به نفع منویات ذهنی این روزنامه‌نگاران یا رسانه‌ها باشد.»

وی همچنین معتقد است که تاثیر عدم انتشار این اخبار «نادیده گرفتن درد و رنجی است که یک زندانی متحمل شده» و از طرف دیگر «این اجازه را به مرتکبان این اعمال می‌دهد که با خیال راحت‌تری به چنین اقداماتی ادامه دهند؛ چراکه نه قربانی دهان به گفتن حقیقت می‌گشاید و نه اگر هم قربانی چیزی بگوید، جامعه از او حمایت می‌کند؛ بلکه برعکس او را طرد نیز می‌کنند.»

البته گرفتن تست بکارت اقدامی است که روزانه زنان بازداشت شده بسیاری به آن دچار می‌شوند. به طور مثال هرگونه اتهامی که ارتباط نامشروع را به همراه داشته باشد، منجر به گرفتن تست بکارت می‌شود تا برای دادگاه ثابت شود که آیا متهم رابطه‌ای داشته یا خیر.

گرفتن آزمایش واژینال نیز اقدامی است که در تمام پرونده‌های قضایی - جنایی جهان برای مشخص شدن احتمال تجاوز جنسی انجام می‌شود. اگر مقصود در این‌جا گرفتن تست بکارت به عنوان اقدامی «تحقیرکننده» مطرح شود؛ زنان بسیاری هستند که در ایران با این اقدام مورد آزار قرار می‌گیرند.

اما آیا جغرافیایی که خبر در آن اتفاق افتاده می‌تواند در اصول مطرح برای روزنامه‌نگاری حقوق بشری تاثیر داشته باشد؟ آیا بایستی با توجه به

بحران‌های موجود در مناطق جغرافیایی مختلف نحوه انعکاس خبر را تغییر داد؟ مثلاً اگر پا را فراتر از این بگذاریم و به جنگ‌های آشکار مثل افغانستان و عراق یا جنگ‌های خاموش در ایران بپردازیم، این جغرافیا چه تاثیری در پوشش رسانه‌ای دارد؟

جامی معتقد است که به طور کلی و عمومی جواب «مثبت» است: «یعنی روزنامه‌نگاری اصولاً روزنامه‌نگاری در کانتکست است و بدون آن روزنامه‌نگاری معنا ندارد. هر تیتری و هر خبری در هر زمانی قابل انتشار نیست؛ چرا که در یک ظرف اجتماعی معین می‌تواند معناهای مختلفی بدهد. استثناً هم همیشه می‌توان قایل شد، اما نه در پایه‌های کار و گرنه از روزنامه‌نگاری خارج شده‌ایم.

در اینکه خبر دروغ مخابره نکنیم، استثنایی وجود ندارد. جنگ‌ها را دست کم دو جور می‌شود گزارش کرد: در چارچوب عملیات روانی و در چارچوب خبررسانی حرفه‌ای. این دومی البته در میان زد و خوردها کار بسیار دشواری است و در عمل، فرد همیشه ناچار است احتیاط زیادی به خرج دهد تا بتواند به عنوان ناظر در میدان نبرد بماند.»

انتقاد دیگری که به فعالان حقوق بشر یا روزنامه‌نگاران فعال در رسانه‌های حقوق بشری وارد می‌شود، مساله «خبرسازی» است. این گروه سعی می‌کنند در مواردی با خبرسازی، توجه داخلی و جامعه بین‌المللی را به سمت یک زندانی یا مقصود خبر سوق دهند. این اقدام حتی گاه تا انتشار اخبار دروغ نیز پیش می‌رود و بعدتر که صحت آن زیر سوال می‌رود اکثراً در مقابل‌اش سکوت اختیار می‌کنند. در مواردی حکم یک زندانی محکوم به اعدام به اجرای احکام می‌رود، اما مشخص نیست چه زمانی اجرایی خواهد شد. برای همین خبرسازی اتفاق می‌افتد.

جامی معتقد است در این‌جا صف روزنامه‌نگاری به شکل کامل از اکتویسیسم جدا می‌شود: «اکتویسیست‌ها حق دارند هر طور مایل‌اند موضوعات مورد علاقه خود را پیگیری کنند؛ اما نمی‌توانند از روزنامه‌ها و رسانه‌ها انتظار داشته باشند چشم بسته، کار آن‌ها را پوشش بدهند. مساله عملیات روانی را نباید با روزنامه‌نگاری آمیخت. هر کدام راه و مسیر خود را دارند. واقعیت این است که عملیات روانی در موارد متعدد جواب می‌گیرد، اما هر چیزی که جواب بگیرد روزنامه‌نگاری نیست.»

فرق اساسی میان روزنامه‌نگار با اکتویسیست از نظر این کارشناس رسانه آن است که «یکی در بند صحت خبر است و دیگری در بند تاثیرگذاری آنی و عملی. اکتویسیست خیلی توجهی ندارد که خبرش چقدر درست است.

او از هر بهانه‌ای برای بسیج مخاطب در جهت اهدافش بهره می‌برد. این به خودی خود بد نیست، اما وقتی به صحت و سقم خبر بی‌اعتنا باشد، مشکلات متعددی درست می‌کند. به علاوه روزنامه‌نگار، توصیف‌گر است و در تحولات از آن‌چه اتفاق افتاده پیش‌تر نمی‌رود؛ اما اکتویسیست امید خود را جزو خبر مطرح می‌کند.»



جامی معتقد است «ممکن است روزنامه‌نگاری هم‌زمان اکتویسیست هم باشد و این دو حوزه را به هم پیوند بزنند. اما نتیجه آن روزنامه‌نگاری خوبی نخواهد بود. توضیح‌اش خیلی پیچیده نیست. این دو حوزه یکی توصیفی است یکی تهییجی و تحریکی. من زمانی در پاسخ به اعتراض مخاطبان رادیو زمانه در نحوه پوشش خبر یک ناآرامی در دانشگاه تهران نوشتم که «فرق است بین این که بگوییم «دانشگاه تهران ناآرام است» یا بگوییم «دانشگاه تهران کلید اعتراضات دانشجویی را زد» (که تیتتر یکی از وب‌سایت‌ها بود). اولی خبر

است و ژورنالیسم و دومی تحریک و اکتویسیسم». در پاسخ به بحث کمپین و روزنامه‌نگاری هم باید گفت روزنامه‌نگار ممکن است خودش معترض به شرایطی باشد؛ اما کارش اعتراض میدانی نیست، بلکه خبررسانی از آن میدان است.»

او همچنین معتقد است که «برای مردمی که عمیقاً دست به گریبان سوظن هستند، اولین کار حقوق بشری ایجاد اعتماد است؛ چراکه بر بستر تردید هیچ کاری به نتیجه نمی‌رسد. نکته اساسی برای روزنامه‌نگاری، ایجاد اعتماد و حفظ اعتماد است؛ وگرنه دیگر معلوم نمی‌شود آن‌چه در رسانه می‌خوانیم و می‌شنویم برای مصلحتی مطرح شده یا توصیف واقعی است. رسانه باید محافظ این اعتماد باشد چون مسایل اجتماعی در طیف وسیعی در رسانه منعکس می‌شود و بدون اعتماد مخاطب، رابطه مخدوش شده و دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌شود.»

این کارشناس رسانه همچنین در تحلیل روزنامه‌نگاری حقوق بشری رسانه‌های فارسی‌زبان به مواردی اشاره کرد که از نگاه حرفه‌ای آن‌ها را «مشکلات عمده» می‌داند: «آدم‌های شناخته شده و موثق رسانه‌ای پشت این کارها و رسانه‌ها نیستند. روش‌های خبرگیری این وب‌سایت‌ها نامطمئن است. خبرسازی‌های عمده‌ی و سیاسی‌کاری وجود دارد. به منابع جهانی مثل گزارش‌گران بدون مرز و عفو بین‌المللی متصل نیستند. هدف آسان کردن شرایط زندان برای زندانی، کم‌تر مورد توجه است. اکتویسیسم سیاسی در آن‌ها بیشتر است تا خبرنگاری حرفه‌ای. آموزش‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در آن‌ها کم‌رنگ است.

وب‌سایت‌های حقوق بشری ما آمار و خبر می‌دهند و گزارش تهیه می‌کنند. این‌ها همه خوب است؛ اگر خوب انجام شود، اما کافی نیست. باید موثق تهیه شود و دید حرفه‌ای داشته باشد و هم با همکاری و زیر نظر نهادهای معتبر حقوق بشری جهانی تهیه شود.»

## مهدی جامی:

اکتویسیست‌ها حق دارند هر طور مایل‌اند موضوعات مورد علاقه خود را پیگیری کنند؛ اما نمی‌توانند از روزنامه‌ها و رسانه‌ها انتظار داشته باشند چشم بسته، کار آن‌ها را پوشش بدهند. مساله عملیات روانی را نباید با روزنامه‌نگاری آمیخت. هر کدام راه و مسیر خود را دارند. واقعیت این است که عملیات روانی در موارد متعدد جواب می‌گیرد، اما هر چیزی که جواب بگیرد روزنامه‌نگاری نیست.

چشم بسته، کار آن‌ها را پوشش بدهند. مساله عملیات روانی را نباید با روزنامه‌نگاری آمیخت. هر کدام راه و مسیر خود را دارند. واقعیت این است که عملیات روانی در موارد متعدد جواب می‌گیرد، اما هر چیزی که جواب بگیرد روزنامه‌نگاری نیست.

## اقلیت‌های اثنیکی و مذهبی؛ قربانی استانداردهای دوگانه در اطلاع‌رسانی



که اصل ضرورت «حفظ وحدت ملی و پرهیز از دامن زدن به علایق قومی» خوانده می‌شود. به این ترتیب این تصور که خبر رسانی مرتب و مسوولانه از محرومیت‌ها یا مشکلات مناطقی مثل کردستان یا بلوچستان می‌تواند موجب تشدید علایق واگرایانه در این مناطق شود، اخبار ستم به آن‌ها را به حاشیه می‌راند. فراموش نکنیم که قوانین داخلی ایران با رسمیت بخشیدن انحصاری به زبان فارسی و برتری بخشیدن به مذهب شیعه و تحمیل برخی محدودیت‌های قانونی بر اقلیت‌ها، بستر لازم برای اعمال این تبعیض‌ها را فراهم می‌کنند.

اما حوزه خاصی از خبر رسانی که جهت‌گیری غیر حرفه‌ای و تبعیض‌آمیز رسانه‌ها در بازتاب اخبار مربوط اقلیت‌های ایرانی را بیش از هر حوزه دیگری آشکار می‌سازد، حوزه زندانیان سیاسی/ عقیدتی است. استاندارد دوگانه رسانه‌ها در این حوزه خاص بیش از هر حوزه دیگری نمایان می‌شود. زندانیان سیاسی/عقیدتی اقلیت در واقع آن بخشی از جامعه اقلیت هستند که سیستم امنیتی و قضایی می‌خواهد به عنوان شاهدهی بر درستی نگرانی‌های امنیتی‌اش به همه‌گان نشان دهد و متأسفانه در روند اطلاع‌رسانی نیز برخی از رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران همین نگاه را پذیرفته و آن را در کارشان بازتاب می‌دهند.

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، دستگاهی سیاسی و از لحاظ قضایی نامعتبر است؛ زیرا در پرونده‌های سیاسی، عقیدتی و حقوق بشری قضات با انگیزه‌های سیاسی و بر اساس خواست و نظر دستگاه‌های امنیتی رای صادر می‌کنند. دستگاه امنیتی این نظام نیز نه یک سازمان مدرن اطلاعاتی که دستگاه سرکوب و حذف مخالفان و منتقدان است.

عدم تردید در درستی گزاره بالا قاعدتاً باید موجب شود ناظران سیاسی، فعالان حقوق بشر و روزنامه‌نگاران ایرانی هنگام گفت‌وگو و نوشتن و یا اطلاع‌رسانی درباره متهمان و یا محکومان پرونده‌های سیاسی، به اصل برائت توجه کنند و علاوه بر دفاع از حقوق بنیادین هر متهمی - فارغ از جرمی که مرتکب شده است - بر بی‌گناهی متهمان و غیر حقوقی بودن اتهامات در این نوع پرونده‌ها تاکید کنند.

این اشاره و یادآوری از آن رو اهمیت دارد که متهمان سیاسی و عقیدتی گاه حتی بر اساس قوانین موجود (عادلانۀ یا ظالمانه) جرمی مرتکب نشده‌اند و لذا دفاع از آن‌ها همچون متهمانی بی‌تقصیر و اطلاع‌رسانی فوری درباره وضعیت‌شان، بدون درنظر گرفتن باورهای سیاسی آن‌ها، اهمیت مضاعف می‌یابد.

به نظر می‌رسد هرچند عموم روزنامه‌نگاران و فعالان ایرانی حقوق بشر در درستی مفروض نخست این نوشته تردید نداشته باشند؛ اما چنان‌که اشاره شد باورهای سیاسی، وابستگی‌های سازمانی و یا روش‌های مبارزاتی برخی از زندانیان و محکومان سیاسی/عقیدتی اقلیت، روزنامه‌نگاران و فعالان را متأثر کرده و در گفت‌وگو و یا اطلاع‌رسانی درباره ایشان، از اصل اطلاع‌رسانی بدون تبعیض و آزادانه عدول می‌کنند و این متهمان را همچون مجرمانی می‌نگرند که جرمی مرتکب شده‌اند و باید مجازات شوند.

جدای از برخی محکومان شناخته نشده و فاقد سابقه فعالیت سیاسی که به جاسوسی متهم می‌شوند و البته از حق محاکمه شدن در یک دادگاه عادلانه محروم بوده‌اند و عموماً قربانی این نگاه غیرحرفه‌ای و تبعیض‌آمیز می‌شوند، چنان‌که اشاره شد اکثریت مطلق قربانیان استانداردهای دوگانه در اطلاع‌رسانی، فعالان سیاسی/مدنی متعلق به اقلیت‌های اثنیکی و مذهبی هستند. البته همیشه صرف تعلق زبانی یا هویتی به یک اقلیت اثنیکی یا تعلق مذهبی به یک جامعه دینی موجب سوظن اصحاب رسانه نمی‌شود و این حوزه و شیوه فعالیت و علایق سیاسی یا عقیدتی متهم اثنیکی و مذهبی است که او را به صف مظنونان می‌راند. بهاییان را باید از نخستین قربانیان اطلاع‌رسانی با استانداردهای دوگانه دانست. برای مدتی طولانی از محکومان زندانی و یا اعدامی بهایی در محافل و یا رسانه‌های اپوزیسیون و مستقل اسمی برده نمی‌شد و در صورت اسم برده شدن، یا جاسوسی آن‌ها برای اسرائیل مفروض دانسته می‌شد و یا با تردید و اگر و اما در مورد احتمال بی‌گناهی و ناعادلانه بودن روند دادگاهی آنان اظهار نظر می‌شد. بهاییان البته به تدریج و در سال‌های اخیر از این لیست سیاه خارج شدند و اکنون کم‌تر ایرانی خارج از حلقه حاکمیت فعلی، در بی‌گناهی مطلق محکومان بهایی زندانی، حتی برابر با قوانین ایران، تردید دارد.

اما این بدبینی، هنوز عموم زندانیان سیاسی و عقیدتی متعلق به اقلیت‌های اثنیکی کرد، عرب و بلوچ و اخیراً ترک و یا اقلیت سنی مذهب در ایران را شامل می‌شود. بدبینی که باعث می‌شود بخشی از فعالان حقوق بشر و روزنامه‌نگاران نیز با فراموش کردن اصل برائت و این‌که این متهمان نیز از حق دادگاهی شدن در یک دادگاه عادلانه بی‌بهره بوده‌اند، در سخن گفتن از این دسته از زندانیان، آرا نامعتبر دستگاه قضایی و ادعاهای مضحک دستگاه امنیتی سرکوب درباره این زندانیان را معتبر تلقی کنند.

پرسش اینجاست که با چه معیاری و بر اساس چه شواهدی مدعا و احکام یک نظام قضایی رسوا درباره متهمان سیاسی اقلیت پذیرفته می‌شود؟ آیا متهمان مورد اشاره در یک روند دادرسی عادلانه محکوم شده بودند؟ به وکیل دسترسی آزادانه داشته‌اند؟ شکنجه نشده‌اند؟ نکته مهم همین‌جاست. همین گروه از روزنامه‌نگاران عموماً می‌پذیرند که فقدان استقلال و بی‌طرفی قوه قضاییه و

سابقه منفی جمهوری اسلامی ایران در نقض برنامه‌ریزی شده و نظام‌مند حقوق بشر و اعمال فشار و شکنجه در اخذ اعترافات، ادعاهای حکومت در پرونده‌های فوق را بی‌اعتبار می‌کند.

اما غلبه گفتمان حاکمیت در این حوزه و انطباق نگرانی‌های اپوزیسیون و برخی روزنامه‌نگاران مستقل (که قاعدتاً نباید نگرانی‌های سیاسی بر کارشان تأثیر بگذارد) با حکومت جمهوری اسلامی درباره اقلیت‌ها و توهمی که از اهداف و نیات پنهانی آن‌ها دارند، موجب می‌شود حکم و نظر این دادگاه‌ها هنگامی که نوبت به بی‌پناهان، دیگری‌ها و به طور کلی به یک فعال حقوق اقلیت‌ها می‌رسد معتبر تلقی شده و گفته شود «هیجان زده نشوید ... با دفاع از مجرمان برای بی‌گناهان مشکل درست نکنید یا در جهت خلاف توسعه ایران گام برندارید».

این بدبینی‌ها گاه چنان شدید می‌شود که مثلاً یکی از روزنامه‌نگاران برجسته ایرانی می‌نویسد که کسانی که اهواز را «الاحواز» می‌خوانند و آذربایجان را «آذربایجان» می‌نویسند مسوول انفجارها و بمب‌گذاری‌های گاه و بیگاه در خطوط نفت خوزستان هستند. این بدبینی افراطی که موجب خبررسانی غیرمنصفانه درباره اقلیت‌ها می‌شود به دو علت اصلی برمی‌گردد.

عامل نخست توهم آگاهی داشتن از اهداف و نیات گروه‌های اقلیت است. بر این مبناء، اقلیت‌های اثنیکی کرد و عرب و بلوچ و اخیراً ترک (در معنای سیاسی اقلیت) همه دنبال کشور مستقل خود بوده و همه متهمان آن‌ها هم کسانی هستند که برای این هدف جنگیده یا با دشمنان همکاری کرده‌اند. زندانیان عقیدتی سنی مذهب همه‌گی سلفی جهادی هستند و با القاعده همراه و هم‌فکر بوده و آماده کشتن دیگران هستند. به این ترتیب صحت داگاهی در مورد ایشان برای این دسته از روزنامه‌نگاران از ابتدا محرز است.

عامل دوم هم درک نادرست از عمل سیاسی و تعریف غلط از زندانی سیاسی است. این گروه از روزنامه‌نگاران معتقدند بسیاری از زندانیان سیاسی که گفته می‌شود با انگیزه و اهداف سیاسی علیه جمهوری اسلامی یا هر نظام سیاسی دیگر مرتکب اعمال خشونت‌آمیز و واقعا مجرمانه شده‌اند را نمی‌توان و نباید زندانی سیاسی خطاب کرد. با همین مقدمات، این گروه از فعالان رسانه، زندانیان سیاسی اقلیت را که ابتدا مسلح و خراب‌کار فرض می‌کنند، از شان زندانی سیاسی بودن ساقط می‌کنند و سپس احکام قضایی دادگاه‌ها درباره این خلافکاران را معتبر تلقی کرده و به چرخه باطل عدالت در ایران در این چارچوب یاری می‌رسانند. این گروه فکر می‌کنند تنها کسانی را که به دلیل فعالیت‌های سیاسی مسالمت‌آمیز به زندان جمهوری اسلامی افتاده‌اند باید زندانی سیاسی خواند و هر کسی را که برای پیگیری علایق سیاسی و یا تأمین اهداف سیاسی خود اقدام به فعالیت خشونت‌آمیز و یا غیرقانونی کرده باشد را باید مجرم عادی خطاب کنند.

در قوانین ایران جرم سیاسی تعریف نشده است و تنها موادی در قانون مجازات اسلامی وجود دارد که به اقدام علیه امنیت ملی/ محاربه و یاغی بودن برمی‌گردد و مواردی که ذیل آن‌ها تعریف شده است، عموماً همان مواردی است که در بیشتر کشورهای دموکراتیک دنیا یا اصولاً جرم نیست و یا جزو جرایم سیاسی تعریف شده است.

زندانی سیاسی در معنی درست خود، شخصی است که جرمی سیاسی مرتکب شده و جرم سیاسی یعنی عملی قانوناً مجرمانه که با انگیزه‌ها و اهداف سیاسی صورت گرفته است. به این ترتیب هم کسی که علیه نظام سیاسی مستقر دست به اسلحه می‌برد مجرم سیاسی است و هم کسی که علیه نظام سیاسی اقدامات خراب‌کارانه انجام می‌دهد.



شاهد علوی - روزنامه‌نگار

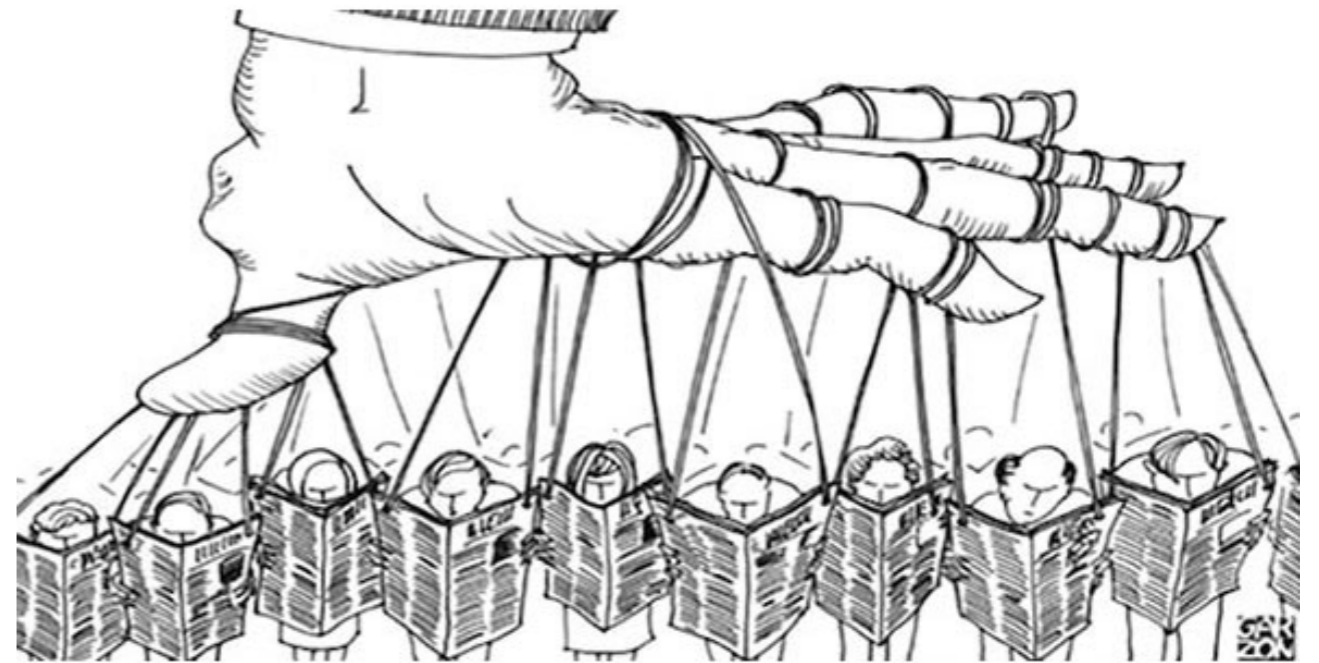
در پرداختن به مساله اقلیت‌های اثنیکی و مذهبی در ایران، یکی از نکات قابل توجه تبعیض در اطلاع‌رسانی درباره مشکلات و مسایل این اقلیت‌هاست. این تبعیض را در قیاس با اطلاع‌رسانی درباره مسایل مرتبط با اکثریت و در میزان و محتوای اخبار منتشر شده درباره اقلیت‌ها می‌توان دید.

حساسیت سیاسی و مشکلات ساختاری در مناطق محل زندگی اقلیت‌ها و البته محدودیت‌های قانونی اعمال شده بر این اقلیت‌ها و میل به مقاومت در برخی از جریان‌های اقلیت موجب می‌شود همیشه خبری از آنان برای انعکاس در رسانه وجود داشته باشد؛ اما در عمل لحاظ کردن برخی خطوط قرمز نانوشته موجب می‌شود علاوه بر رسانه‌های داخل که محدودیت‌های زیادی برای کار خبری آزاد دارند، در رسانه‌های اپوزیسیون و یا مستقل خارج از ایران هم عموماً پرداختن به اخبار اقلیت‌ها تناسبی با میزان خبرهای واقعا موجود مربوط به آن‌ها نداشته باشد و محتوای اخبار آن‌ها هم در مواردی بازتاب‌دهنده یک نگاه کلیشه‌ای باشند که محصول آمیزش ناسیونالیسم آریایی و حکومت‌داری اسلامی/ شیعی است.

خط قرمزهای نانوشته اما موثر در فضای واقعی، چیزی است

## روزنامه‌نگاری حقوق بشری و شاخص‌های آن

ترجمه: مانا مسرور



## • پیش‌گفتار

رسانه نقشی بسیار مهم در حفاظت از حقوق بشر ایفا می‌کند. خبرنگاران موارد نقض حقوق بشر را برملا می‌کنند و فضایی برای شنیده شدن صداهایی متفاوت ایجاد می‌کنند. با توجه به چنین نقش مهمی، بی‌دلیل نیست که رسانه به عنوان رکن چهارم دموکراسی در کنار دولت، قانون‌گذاری و قضاوت شناخته می‌شود.

با این حال، خطر سواستفاده از قدرت رسانه تا حدی است که می‌تواند بنیان دموکراسی را تحت‌الشعاع قرار بدهد. برخی منابع خبری به ابزار تبلیغاتی صاحبان قدرت تبدیل شده و بخشی دیگر به عنوان ابزاری برای گسترش تنفر، بیگانه‌هراسی و خشونت علیه گروه‌های اقلیت و آسیب‌پذیر مردمی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

همچنین گاهی پیش می‌آید که رسانه به صورتی غیرمنصفانه و غیرضروری حریم خصوصی افراد را از طریق بی‌توجهی و عدم حساسیت کافی در خطر سواستفاده و در نتیجه آسیب‌های بسیار جدی و گاه غیر قابل جبران قرار می‌دهد.

با اینکه آزادی بیان به عنوان اساسی‌ترین حق هر فردی شناخته می‌شود؛ ولی این آزادی بدون حد و کرانه نیست. بیانیه حقوق بشر اتحادیه اروپا به روشنی اعلام می‌کند که در شرایطی خاص برای حفظ امنیت افراد یا امنیت ملی و امنیت همگانی می‌توان آزادی بیان را محدود کرد. البته این موارد خاص باید به صراحت توسط قانون مشخص شده و از طریق قانونی با دلایل مشروع اعلام و اجرا شوند.

ارایه تعریفی جامع و مانع از چنین استثنائاتی همیشه در دادگاه‌های حقوق بشر اروپا محل مناقشه بوده است. ارایه تعاریف دقیقی که مانع سواستفاده شود بسیار دشوار است. برداشت منطقی از بند دهم بیانیه حقوق بشر نیز تصدیق می‌کند که اعمال

محدودیت بر آزادی بیان ممکن است که به کنترل رسانه کمک کند؛ ولی از سوی دیگر به سود جامعه و به خصوص تضمین دربرگیرندگی طیف متنوع حقوق بشر نباشد.

از این رو، ایده «نظارت رسانه بر خود» از طریق ایجاد ضوابط حرفه‌ای و اخلاقی مورد توجه قرار گرفته تا از سواستفاده‌های احتمالی و یا اتفاقی جلوگیری کند و بدین طریق لزوم نظارت دولت‌ها بر رسانه‌ها منتفی گردد. لذا می‌بخت «روزنامه‌نگاری اخلاقی گرایانه» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. با اینکه روزنامه‌نگاران الزاما در راستای منافع گروهی خاص کار نمی‌کنند؛ اما با در نظر گرفتن این چارچوب و رعایت ضوابط حرفه‌ای آن به ساختن جامعه‌ای بهتر بیش از پیش کمک می‌کنند.

در این مقاله سعی می‌شود تا با نگاهی بر ضوابط روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و اخلاقی، معیارهای هر کدام مورد بررسی اجمالی قرار گیرند.

## • مقدمه

در اواسط قرن نوزدهم که ژان هنری دونانت در حال شکل دادن دیدگاه انسانی در زمان جنگ (از جمله سازمان صلیب سرخ و کنوانسیون ژنو) بود، گروهی از سردبیران پیش‌رو در اروپا درصدد ارایه چارچوبی اخلاقی برای روزنامه‌هایشان بودند. صد سال بعد، در همان سال که دادگاه حقوق بشر اروپا به طور رسمی آغاز به کار کرد، فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران با اولین نسخه از اصول رفتاری روزنامه‌نگاری اخلاقی گرایانه موافقت کرد.

این روزها به علت جهانی شدن و پدیده رسانه‌های دیجیتال، روزنامه‌نگاری و حقوق بشر بار دیگر در نقطه‌ای تاریخی باهم تلاقی کرده‌اند. در نتیجه اکنون زمان مناسبی برای توسعه و بسط تعریفی جدید در مورد اهمیت خبررسانی مبتنی بر اخلاق است.

روزنامه‌نگاران و سردبیران؛ سخن‌گویان دولت‌ها، شرکت‌های

قدرتمند و یا حتی مدافعین حقوق بشر نیستند؛ بلکه در بهترین حالت، وظیفه‌ی آنها بیان روایت‌های منطبق بر واقعیات، انصاف و عدالت است. آنان افرادی هستند که روزنامه‌نگاری را به عنوان عامل خیر در جامعه معرفی می‌کنند. روزنامه‌نگاری خوب، در برابر آنچه مورد قبول و یا غیرقابل قبول است هشجاری بر می‌انگیزد و ما را با استانداردهای اخلاقی مورد قبولی که متضمن کوشش همگانی برای حفظ و اعتلای دموکراسی و حقوق بشر هست روبرو می‌سازد.

## • چشم‌انداز جدید رسانه و تغییرات روزنامه‌نگاری

این روزها روزنامه‌نگاری در برهه‌ای بحرانی قرار دارد. از سویی ابزار متداول رسانه، به خصوص روزنامه‌ها، به شدت از تغییرات اقتصادی ناشی از جهانی شدن رنج می‌برند و از سوی دیگر، تغییرات ساختاری و میزان سودآوری اقتصادی این حرفه را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. در مواجهه با این رویدادها، تغییرات اساسی در بخش‌های مختلف دبیران روی داده که باعث تضعیف کیفیت روزنامه‌نگاری شده است. در حقیقت، بسیاری از کارفرمایان این بخش، کیفیت خبری را برای دست یافتن به اهداف مالی قربانی کرده‌اند که در نتیجه باعث خدشه‌دار شدن ارزش‌های اخلاقی روزنامه‌نگاری به سود روزنامه‌نگاری عامه‌پسند، احساسی و مغرضانه شده است.

در روزنامه‌نگاری درد ناشی از این تغییرات به وضوح قابل لمس است. هزاران شغل از بین رفته‌اند، سرمایه‌گذاری برای آموزش و روزنامه‌نگاری تحقیقی کاهش پیدا کرده و کم‌ترین زمان برای تحقیق و واکاوی حقیقت صرف می‌شود. در چنین شرایطی گروه‌های اقلیت نادیده گرفته می‌شوند و صدایشان شنیده نمی‌شود. پیام‌های نژادپرستانه و بیگانه‌هراسی از زبان سیاستمداران بی‌پروا دایما و به صورت روزافزون پخش می‌شود. حریم خصوصی افراد شکسته می‌شود. تحلیل‌های اندک و سطحی در مورد مسایل مهمی هم‌چون مهاجرت، دین و تفاوت‌های فرهنگی ارایه می‌شوند. تلاش‌های اندکی جهت کاهش رنج‌جویی که درگیر مشکلات اقتصادی و اجتماعی هستند، انجام می‌گیرد. اثرات دموکراتیک چنین برخوردهایی کاملا واضح است. بررسی موشکافانه قدرت به خصوص در لایه‌های محلی و منطقه‌ای بسیار کاهش یافته و حمایت‌های حقوق بشری بسیار تضعیف شده است.

در میان انقلاب اطلاعاتی، ما از امکانات بسیار بیشتری برای ابزار عقیده و دانش بهره می‌بریم. با این حال، هم‌چنان نگرانی‌هایی در مورد استفاده و یا سواستفاده از اطلاعات وجود دارد. روش‌های جدید ارتباطات و سرویس‌های آنلاین چالش‌های جدیدی را پیش رو قرار داده است. مفاهیمی همچون «شهروند خبرنگار» و گسترش «خبرنگاری شبکه‌ای» بهره بردن از خبرنگاران غیر حرفه‌ای را در صنعت از پیش تضعیف شده رسانه مشروعیت بخشیده و سوالات جدیدی در مورد اعتبار و درستی اطلاعاتی که ارایه می‌دهند طرح کرده است. دولت‌ها به طور فزاینده‌ای تحت فشار قرار دارند تا مداخله کنند و رسانه و روزنامه‌نگاری مسوولیت‌پذیر را چه از طریق بودجه‌های عمومی و ارایه سوبسید به رسانه‌های مستقل در حال نزول و یا از طریق تقویت

بسیاری از قوانین رفتاری برای روزنامه‌نگاران، آرمان‌گرایانه و تنها بیانیه‌ای جهت تعهد آنان به مسوولیت‌پذیری و پاسخگو بودن است.

چنین روشی، مالکان رسانه و خبرنگاران را در برابر نقد و برخوردهای حقوقی مصون می‌دارد. در حال حاضر بیش از ۴۰۰ روش متفاوت وجود دارد که اکثر آنها مجموعه‌ای از اصول مشترک روزنامه‌نگاری را ارایه می‌دهند. به طور کلی، این روش‌ها شامل دقت و احترام برای حقیقت، بی‌طرفی و استقلال دبیران، نظرات منصفانه، احترام به دیگران و اصلاح اشتباهات می‌شوند. این قوانین تضمینی برای روزنامه‌نگاری مبتنی بر ارزش‌ها و معیاری جهت سنجش کیفیت کار است.

قوانین در مورد مالکیت رسانه به سوی شفافیت بیشتر و کثرت‌گرایی حمایت‌کنند. اگر چه اینترنت دسترسی آسان به اطلاعات فراوان را فراهم کرده است؛ اما همچنان مردم برای دستیابی به اخبار موثق و اطلاعات مستند به شبکه‌های خبری معتبر روی می‌آورند. در زمانی که بسیاری از افراد، از اثرات تسلط سیاستمداران قدرتمند بر ابزار تکنولوژی و رسانه و تاثیرات آن بر دموکراسی و همه دارند، لزوم روزنامه‌نگاری اخلاقی گرایانه در دنیایی که مردم به اطلاعات فراوانی دسترسی دارند بیش از پیش حس می‌شود.

## • روزنامه‌نگاری اخلاقی گرایانه

صدای همگون روزنامه‌نگاری در سراسر اروپا به دنبال سیاستی است که در آن خیررسانی نه به صورت محدودیت‌هایی قانونی؛ بلکه مبتنی بر برخوردی اخلاقی و مسوولانه با اطلاعات صورت گیرد. با این حال، روزنامه‌نگاران باید بیشتر تلاش کنند تا بتوانند مشکلات موجود را خود برطرف کنند. آنان می‌بایست افرادی را که به اصول خبرنگاری اخلاقی پایبند نیستند، افشا کنند و در این راه روزنامه‌نگاری را به عنوان ابزاری برای گفتگو، مباحثه و کثرت‌گرایی دموکراتیک توسعه دهند. برای احقاق این اهداف، روزنامه‌نگاران می‌بایست نحوه کار خود را به صورت معتبر قانون‌مند کنند. روزنامه‌نگاری اخلاقی گرایانه احتیاجی به چارچوب قانونی ندارد، اگر چه روزنامه‌نگاران محتاج به قوانینی هستند تا آزادی کار و فعالیت‌شان را تضمین کرده و بتوانند اعتماد عموم اجتماع را از طریق به نمایش گذاشتن اخلاق حرفه‌ای و اخلاقی جلب کنند.

## • قوانین رفتاری

بسیاری از قوانین رفتاری برای روزنامه‌نگاران، آرمان‌گرایانه و تنها بیانیه‌ای جهت تعهد آنان به مسوولیت‌پذیری و پاسخگو بودن است. چنین روشی، مالکان رسانه و خبرنگاران را در برابر نقد و برخوردهای حقوقی مصون می‌دارد. در حال حاضر بیش از ۴۰۰ روش متفاوت وجود دارد که اکثر آنها مجموعه‌ای از اصول مشترک روزنامه‌نگاری را ارایه می‌دهند. به طور کلی، این روش‌ها شامل دقت و احترام برای حقیقت، بی‌طرفی و استقلال دبیران، نظرات منصفانه، احترام به دیگران و اصلاح اشتباهات می‌شوند. این قوانین







## حقوق کودکان از اهمیت ویژه‌ای در قوانین بین‌المللی برخوردار است.

بیانیه حقوق کودکان؛ حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را برجسته می‌کند. این بیانیه علاوه

بر بیانیه‌هایی هم‌چون محدودیت و

اقدام برای پایان انواع کار کودکان، پروتکل اختیاری گرفتاری کودکان در شرایط جنگی و همچنین

پروتکل مرتبط با استثمار جنسی، فروش و یا اجبار به تن‌فروشی کودکان است و سعی در تقویت حقوق کودکان با توجه به

آسیب‌پذیری آنها دارد. در

نظر داشتن این بیانیه‌ها هنگام

تهیه گزارش‌های خبری می‌تواند منجر به بارزتر شدن نیازهای

ویژه کودکان شده و بدین صورت شرایط و تاثیرات آن را بر کودکان لحاظ نمایند.

تضمینی برای روزنامه‌نگاری مبتنی بر ارزش‌ها و معیاری جهت سنجش کیفیت کار است.

در این روش، روزنامه‌نگاران خوب قادر خواهند بود تا از اشتباهاتی همچون نفرت‌پراکنی، کلیشه‌سازی جنسیتی و یا تبعیض علیه گروه‌های اقلیت در تولید و ارایه گزارش‌ها دوری کنند. با وجود این قوانین، هم‌چنان جای خالی سیستمی یک‌دست و یک‌پارچه وجود داشته، لذا دولت‌ها باید اصول رسانه آزاد را در قوانین تعریف کرده و از آن حمایت کنند. در نتیجه فراهم کردن محیطی برای روزنامه‌نگاری اخلاق‌گرایانه نه تنها بخشی از وظایف رسانه؛ بلکه وظیفه دولت‌ها نیز به شمار می‌آید.

**• خود قانون‌مندی**  
«خود قانون‌مندی» عهد محکمی توسط رسانه و روزنامه‌نگاران کاملاً مطلع برای اصلاح اشتباهات خود و پاسخ‌گو بودن است. برای تحقق این امر دو پیش شرط الزامی‌ست: اول اینکه رسانه و روزنامه‌نگاران اخلاقی برخورد کنند و دیگر این‌که دولت‌ها از مداخله در رسانه و یا استفاده از قوانینی مبتنی بر بررسی و کنترل فعالیت روزنامه‌نگاران خودداری کنند.

با این حال یکی از سوالات اساسی برای تضمین فرآیند بالا، مشخص کردن منابع مالی رسانه است. چه فرد یا افرادی هزینه پاسخ‌گو بودن رسانه را پرداخت می‌کنند؟ در برخی کشورها غربی، شهروندان از طریق پرداخت مالیات بخشی از این هزینه‌ها را تأمین می‌کنند و تأمین باقی‌مانده‌ی هزینه‌ها بر عهده رسانه است. هرگونه کمک مالی از سوی دولت‌ها برای «خود قانون‌مندی» رسانه باید بر اساس اصول اولیه شفافیت و پاسخ‌گویی باشد تا بدین صورت هرگونه دخالت دولتی و یا سیاسی محدود شود.

پاسخ‌گویی رسانه در هر قالبی باید حقوق افراد، اجتماع و روزنامه‌نگاران را تضمین کند. روزنامه‌نگاری خود به عنوان مهم‌ترین رکن برای پاسخگو کردن صاحبان قدرت است، با این حال حتی داشتن بهترین چارچوب «خود قانون‌مندی» به تنهایی کفایت نمی‌کند و به عوامل دیگری هم‌چون سیستم قضایی مستقل، قانون‌گذاران مورد اعتماد و سایر بازرسان (به طور مثال در حوزه حریم خصوصی) نیز نیاز است.

**• روزنامه‌نگاری و حقوق بشر**  
با توجه به آنچه پیش‌تر گفته شد، اهمیت روزنامه‌نگاری به عنوان رکنی اساسی در ایجاد جامعه‌ای سالم که در آن همه گروه‌ها و اقلیت‌ها می‌توانند نیازها، نظرات و خواسته‌های خود را به راحتی بیان کنند، مطرح شد. روزنامه‌نگاران با توانایی برقراری ارتباط و دست‌رسی به رسانه‌های عمومی نه تنها می‌توانند گزارشی از وقایع را پوشش دهند؛ بلکه با ارایه تحلیل‌های عمیق‌تر و در کنار هم قرار دادن دیدگاه‌ها و عوامل مختلف کمک شایانی در عرضه اطلاعات مفیدتر و در نتیجه آگاهی بیشتر عموم مردم می‌کنند. این افزایش آگاهی در تقویت جامعه مدنی و پویا حایز اهمیت است.

**• شاخص‌های حایز اهمیت حقوق بشر در عرصه روزنامه‌نگاری**  
به عنوان روزنامه‌نگار حوزه اجتماعی می‌بایست

از شاخص‌های بسیاری که بر حقوق مردم تاثیر می‌گذارند، مطلع بود. این مسایل شامل چارچوب‌های ملی و بین‌المللی حقوقی، شرایط فرهنگی و ساختاری که روزنامه‌نگار در آن فعالیت می‌کند، شرایط اجتماعی اقتصادی، مسایل زیست محیطی و سیاسی منطقه یا کشور مورد بحث است. تمامی این عوامل بر درک فرد از حقوق فردی خود موثر هستند. با در نظر گرفتن این عوامل، فهرستی از شاخص‌هایی که می‌تواند در حیطه روزنامه‌نگاری حقوق بشری مورد توجه قرار گیرند در ذیل آمده است. مسلماً این لیست دربرگیرنده برخی از مهم‌ترین شاخص‌هاست و می‌تواند بسته به شرایط، گسترده‌تر و کامل‌تر شود.

**• جنسیت**  
جنسیت واژه‌ایست که به نقش‌های جامعه‌ساخت مرد و زن اطلاق می‌گردد. در بخش‌هایی از دنیا، زنان هم‌چنان به نقش‌های «زنانه»‌ای هم‌چون خانه‌داری یا بچه‌داری محدود می‌شوند که باعث محرومیت آنها از فرصت‌های تحصیلی و سایر حقوق اولیه انسان‌ها از جمله آزادی بیان می‌شود. در چنین مواقعی بسیار محتمل است که صدای زنان در فضاهای عمومی جامعه دچار محدودیت و یا سانسور شود. تفکرات مبتنی بر «نقش‌های زنانه» در جامعه می‌تواند منجر به نقض شدید حقوق آنها از جمله سلامت، عدم تبعیض، مشارکت عمومی و یا فرصت‌های برابر شود. به عنوان یک روزنامه‌نگار، مشاهده چگونگی تاثیر سایر شاخص‌ها بر نابرابری جنسیتی حایز اهمیت زیادی‌ست. نابرابری جنسیتی تحمیل شده بر زنان می‌تواند تاثیرات بسیار بیشتری بسته به سن، وضعیت اقتصادی، میزان سلامتی و قومیت داشته باشد. جمع‌آوری اطلاعات به تفکیک جنسیت، سن، قومیت و وضعیت اجتماعی - اقتصادی می‌تواند به عنوان ابزاری برای پررنگ کردن تبعیض‌های اعمال شده و هم‌چنین وسیله ارزشمندی جهت حمایت از حقوق زنان استفاده شود. علاوه بر این، فراهم کردن فرصت‌هایی برای زنان که بتوانند در مورد مسایل و مشکلات پیش روی خود در رسانه صحبت کنند منجر به گسترش آگاهی در مورد موارد نقض حقوق زنان می‌شود.

**• کودکان**  
حقوق کودکان از اهمیت ویژه‌ای در قوانین بین‌المللی برخوردار است. بیانیه حقوق کودکان؛ حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را برجسته می‌کند. این بیانیه علاوه بر بیانیه‌هایی هم‌چون محدودیت و اقدام برای پایان انواع کار کودکان، پروتکل اختیاری گرفتاری کودکان در شرایط جنگی و همچنین پروتکل مرتبط با استثمار جنسی، فروش و یا اجبار به تن‌فروشی کودکان است و سعی در تقویت حقوق کودکان با توجه به آسیب‌پذیری آنها دارد. در نظر داشتن این بیانیه‌ها هنگام تهیه گزارش‌های خبری می‌تواند منجر به بارزتر شدن نیازهای ویژه کودکان شده و بدین صورت شرایط و تاثیرات آن را بر کودکان لحاظ نمایند. علاوه بر این، برای فهمیدن اثرات شرایط اجتماعی بر کودکان دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی و یا

متعلق به گروه‌های اقلیت قومی، مذهبی و یا مهاجر تحقیق و بررسی بیشتری لازم است.

**• افراد ناتوان**  
قرارداد حقوق افراد دارای ناتوانی در سال ۲۰۰۶ تصویب و در سال ۲۰۰۸ به اجرا در آمد. این قرارداد برابری تمامی انسان‌ها از جمله آن‌هایی که دارای ناتوانی هستند را با هدف ویژه تقویت، حفاظت و داشتن تمامی حقوق بشر برای تمامی افرادی که دارای ناتوانی هستند در عین حفظ کرامت انسانی ایشان تضمین می‌کند. طبق این قرارداد، تمامی افرادی که دارای نوعی از ناتوانی هستند باید بتوانند به موسسات عمومی به مانند هر فرد دیگری دسترسی داشته باشند. روزنامه‌نگاران در این فرآیند می‌توانند نقش مهمی در افزایش آگاهی سایر بخش‌ها نسبت به محدودیت‌ها و یا تبعیض اعمال شده به این قشر از جامعه داشته باشند.

**• ایدز**  
اچ آی وی یا ایدز اکنون بیماری همه‌گیری در سطح دنیاست که پیش‌بینی می‌شود دست کم ۳۲ میلیون نفر از جمله بیش از سیصد هزار کودک را مبتلا کرده باشد. از آن جایی که بیماری ایدز حقوق فردی افراد از جمله حق کار کردن، تحصیل و حتی حفاظت در برابر خشونت را تحت تاثیر قرار می‌دهد، به عنوان مشکلی فراتر از یک مشکل سیستم سلامت عمومی شناخته شده است. روزنامه‌نگاری که در این حیطه فعالیت می‌کند بایستی در این زمینه اطلاع‌رسانی کند و برای احقاق حقوق افرادی که پیش از این آلوده شده‌اند، تلاش کند. این امر از طریق افزایش اطلاع عمومی بین بردن تصورات غلط احتمالی در مورد این بیماری میسر می‌شود. روزنامه‌نگاران می‌توانند با رساندن صدای افراد مبتلا به گوش جامعه و سیاست‌گذاران موجب ایجاد تغییر در سیاست‌گذاری‌های درمانی و بهداشتی جامعه شوند.

**• تحصیل**  
حق تحصیل یکی از اساسی‌ترین حقوق هر انسانی است. بر اساس قانون حقوق بشر جهانی، دولت‌ها موظف‌اند تا گام‌های قانونی لازم و سایر اقدامات تکمیلی را برای

احترام، حفاظت و برآوردن حق هر فرد برای تحصیل بردارند. فعالیت روزنامه‌نگاری در این زمینه نه تنها شامل بررسی عوامل تاثیرگذار بر دسترسی و استفاده از امکانات تحصیلی‌ست؛ بلکه شامل موارد دیگری همچون سلامت، وضعیت غذایی، رفاه، امنیت و محافظت در برابر خشونت و سواستفاده نیز به دلیل رابطه مستقیم هر کدام از این عوامل بر کیفیت تحصیلی می‌شود. فعالیت خبرنگاری در این حوزه نیازمند آشنایی و درک صحیح از زیرساخت‌های تحصیلی موجود، کیفیت واحدهای درسی، دسترسی کودکان به مراکز آموزشی، در دسترس بودن وسایل و کتب درسی، میزان پذیرفتن کودکان از گروه‌های متفاوت قومی، فرهنگی و دینی است.

**• سلامت**  
حق سلامت رابطه‌ای مستقیم با سایر حقوق بشر دارد به طوری که بدون برخوردار بودن از حق سلامت، حق زندگی دچار مشکل عدیده می‌شود. این حق بدین معنی است که دولت‌ها موظفند تا طرح‌ها و سیاست‌های مورد نیاز برای تأمین و در دسترس قرار دادن خدمات درمانی برای همگان در کوتاه‌ترین زمان ممکن را فراهم کنند. داشتن حق سلامت بدین معنی‌ست که دولت‌ها بایستی در حوزه سلامت کاملاً فعال باشند و با قراردادن استانداردهای مورد نیاز خدمات درمانی شهروندان را فراهم کنند.

به عنوان روزنامه‌نگار فعال در این بخش دسترسی به میزان اطلاعات و آماري که نشان‌دهنده میزان شیوع بیماری در لایه‌های مختلف اجتماع است، عاملی مهم برای تشخیص در دسترس بودن خدمات درمانی برای اقشار مختلف جامعه محسوب می‌شود. با داشتن چنین اطلاعاتی می‌توان به نابرابری در دسترسی به خدمات درمانی در لایه‌های مختلف اجتماع پی برد و در نتیجه می‌توان ضعف‌های موجود در خدمات درمانی عمومی را عیان کرد و در پی راهی برای بهبود آن بود. محیط زیست

گسترش شهرنشینی در سراسر دنیا، دولت‌ها و مردم را با چالش‌های اساسی زیست محیطی رو به رو کرده است. تمرکز این چالش‌ها در کشورهای در حال توسعه



از بین رفتن خاک حاصل‌خیز، در خطر قرار گرفتن منابع آب، آلودگی هوا و خاک از جمله مشکلات زیست محیطی هستند که به شدت

زندگی مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهد. قرار سانی در حیطه حقوق بشر و محیط زیست نیازمند تحقیق و بررسی مسایل زیست محیطی و اثرات آن‌ها بر توسعه

پایدار و برابری است. خبررسانی باید بر اساس اصول حاصل از کنفرانس ریو بوده تا ضامن شنیده شدن صدای گروه‌هایی

باشد که بیشترین لطمات را می‌خورند. تنزل شرایط زیست محیطی نه تنها موجب کاهش دسترسی به آب سالم و در نتیجه شرایط بهداشتی بدتر، به خصوص برای گروه‌های فقیرتر اجتماع می‌شود، بلکه به صورت منفی شرایط کشت و زرع را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد.

چشم‌گیرتر و اثرات سو آن زبان‌بارتر است. افشار کم درآمد و فقیر جامعه در صدر گروه‌هایی هستند که بیشترین آسیب‌ها را از معضلات زیست محیطی متحمل می‌شوند. از بین رفتن خاک حاصل‌خیز، در خطر قرار گرفتن منابع آب، آلودگی هوا و خاک از جمله مشکلات زیست محیطی هستند که به شدت زندگی مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهد. خبررسانی در حیطه حقوق بشر و محیط زیست نیازمند تحقیق و بررسی مسایل زیست محیطی و اثرات آن‌ها بر توسعه پایدار و برابری است. خبررسانی باید بر اساس اصول حاصل از کنفرانس ریو بوده تا ضامن شنیده شدن صدای گروه‌هایی باشد که بیشترین لطمات را می‌خورند. تنزل شرایط زیست محیطی نه تنها موجب کاهش دسترسی به آب سالم و در نتیجه شرایط بهداشتی بدتر، به خصوص برای گروه‌های فقیرتر اجتماع می‌شود، بلکه به صورت منفی شرایط کشت و زرع را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. قوانین و فعالیت‌های اقتصادی بایستی متضمن حفظ منابع طبیعی کشورها در مقابل استفاده نا به جا و یا بیش از اندازه باشند.

• شاخص‌های روزنامه‌نگاری مبتنی بر حقوق بشر

هدف از روش مبتنی بر حقوق بشر تضمین رعایت استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر در پروژه‌ها و برنامه‌ها و در نتیجه حفظ تمرکز بر افشاری است که بیش از سایرین حقوق انسانی‌شان تحت تاثیر قرار می‌گیرد. این روش تمامی وجوه مرتبط با مسایل حقوق بشر را از جمله عوامل محلی، منطقه‌ای و ملی، سیاست‌های دولت و امثالهم را در نظر می‌گیرد تا از این طریق بتوان فهمی جامع از دلایل اصلی این‌که چرا حق فرد یا گروهی خاص مورد توجه قرار نگرفته به دست آورد.

این روش بر اساس شاخص‌های خاصی از حقوق بشر بنا نهاده شده است. این شاخص‌ها شامل مشارکت، پاسخ‌گویی، عدم تبعیض، توانمندسازی و ارتباط با استانداردهای حقوق بشری است. تمامی این شاخص‌ها بایستی در نظر گرفته شوند تا از این طریق تمامی افراد و گروه‌های مرتبط فرصتی برای شناسایی و بیان حقوق‌شان داشته باشند.

در خبرنگاری مبتنی بر این روش، شاخص‌های ذکر شده می‌توانند به اشکال زیر به اجرا درآیند:

مشارکت: اگر در حال تهیه داستانی مبتنی بر گروهی خاص از محرومین هستید، در حین در نظر گرفتن امنیت‌شان در حال حاضر و در آینده، باید مطمئن شد که نظرات و صدای آنها شنیده می‌شود. مسلماً

این گروه‌ها می‌توانند علاوه بر ارایه نظرات‌شان، راه‌حل‌هایی را نیز برای رفع مشکل پیش روی خود پیشنهاد دهند. پاسخگویی:

این شاخص از دو زاویه پاسخ‌گویی روزنامه‌نگاران در حین انجام فعالیت خود و پاسخگویی دولت در قبال وظایف و تعهدات خود مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال روزنامه‌نگار باید اطمینان حاصل کند که در حین فرآیند تحقیق، تمامی مدارک و مستندات را مکتوب کرده و یا همیشه امنیت فردی شخص مصاحبه‌شونده و شرایط خاص فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حاکم را در نظر بگیرد. در بررسی پاسخ‌گویی دولت، روزنامه‌نگار باید در صورت مشاهده عدم تعهد یا اجرای قراردادهایی که دولت موظف به اجرای آنهاست، این مشاهدات را در گزارش خود ثبت کند. عدم تبعیض:

رعایت نکاتی همچون در نظر گرفتن گروه‌های محروم یا آسیب‌دیده در حین روزنامه‌نگاری مبتنی بر حقوق بشر، یا جمع‌آوری اطلاعات تفکیک شده هم‌چون جنسیت، قومیت، وضعیت اجتماعی - اقتصادی و یا در نظر داشتن روابط قدرت در حین مصاحبه‌ای که با بیش از یک نفر انجام می‌شود (از جمله پیش‌زمینه فرهنگی، سن، جنسیت) می‌تواند در روند مصاحبه و نحوه پاسخ‌گویی مصاحبه‌شوندگان موثر باشد. توانمندسازی:

اگر خطری (به هر شکل) مصاحبه‌شوندگان یا افراد مطلع را تهدید نمی‌کند، می‌توان به آنها اطمینان بخشید تا در هر زمان با اطلاعات بیشتر مجدداً مراجعه کرده و یا در صورت نیاز ایشان را با سایر خبرنگاران و فعالین حوزه حقوق بشر آشنا کرد تا در صورت لزوم بتوانند با افراد مورد نیاز ارتباط برقرار کنند. ارتباط با استانداردهای حقوق بشر:

در اکثر مواقع در برخورد با مخاطبین لازم است تا آنها را با مفاهیم حقوق بشر آشنا کرد تا فهمی بهتر و دقیق‌تر نسبت به حقوق خود پیدا کنند. هم‌چنین، در حین تهیه گزارش‌های حقوق بشری، مفاهیم حقوق بشر در ابتدای گزارش باید شرح داده شود تا اطلاع‌رسانی بیشتر و بهتری نسبت به مفاهیم آن انجام شود.

جمع‌بندی

در راستای ارتقای روزنامه‌نگاری اخلاق‌گرایانه، مجموعه‌ای از عوامل از جمله شرایط اجتماعی، حرفه‌ای و قانونی باید فراهم شود تا ضامن استقلال همراه با مسوولیت‌پذیری و پاسخ‌گو بودن روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها باشد.

علی‌رغم امکانات جدیدی که اینترنت و گردش آزاد اطلاعات فراهم کرده، اما همچنان رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران حرفه‌ای، مستقل، بی‌طرف و جویای حقیقتی لازم‌اند تا بتوانند ضامن چند صدایی در جامعه به خصوص میان گروه‌های اقلیت باشند.

در این راه، همکاری رسانه‌ها و دولت‌ها الزامی‌ست تا بتوانند زیرساخت‌های قانونی برای فعالیت آزادانه‌تر روزنامه‌نگاران را فراهم کرد و محدودیت‌های اعمال شده به دلیل چارچوب‌های قانونی و یا روابط قدرت سیاستمداران و صاحبان قدرت را به حداقل رساند. در این بین، رسانه و روزنامه‌نگاران باید مسوولیت‌پذیری لازم برای اعمال خود قانون‌مندی و ابزار مورد نیاز برای آن را همراه با کسب اعتماد عموم مردم جامعه فراهم کنند.



سکوت خانواده‌ها شرایط زندانیان را سخت‌تر می‌کند

گفت‌وگو با مسیح علی‌نژاد - روزنامه‌نگار



حقوق ما

اعلامیه سازمان یونسکو «خبرنگار» را این‌چنین توصیف کرده که کار خبرنگار باید مبتنی بر صداقت بوده و خبرنگاران باید کوشش کنند تا اخباری که در اختیار عموم می‌گذارند درست، دقیق و معتبر باشد



شیدای جهان‌بین

و در درستی اخباری که به دست می‌آورند، پژوهش و اندیشه کنند. خبرنگاران نباید حقیقتی را عمداً تحریف یا خراب کنند و نیز هیچ‌گونه مطلبی را نباید از دید مردم پنهان نگه دارند. «مدافع حقوق بشر» نیز در توصیف افرادی به کار می‌رود که به صورت صلح‌آمیز و بدون خشونت، به صورت انفرادی یا با همکاری افرادی دیگر در راستای ترویج و دفاع از حقوق بشر گام بر می‌دارند. با این حال امروزه هستند افرادی که روزنامه‌نگارند و هم‌زمان به فعالیت‌های حقوق بشری نیز می‌پردازند. این دسته از افراد از فرصت‌هایی که در اختیار یک روزنامه‌نگار قرار می‌گیرد، در جهت دفاع از حقوق بشر استفاده می‌کنند و بر همین اساس، خبرنگاری حقوق بشری به یکی از شاخه‌های مهم روزنامه‌نگاری و خبرنگاری تبدیل شده است.

خبرنگار حقوق بشر، در مورد رویدادهای ضد حقوق بشری که در کشور رخ می‌دهد اطلاع‌رسانی کرده و سعی می‌کند که این‌گونه خبرها را در سطح وسیعی پخش کند تا حکومت‌های اقتدارگرا با واکنش جهانی در برابر فعالیت‌های ضد حقوق بشری مواجه شوند و از این طریق، تلاش کنند تا در راستای احترام به حقوق بشر گام بردارند.

در مورد تاثیرات خبرنگاری حقوق بشری با مسیح علی‌نژاد روزنامه‌نگار، نویسنده و مدافع حقوق بشر گفت‌وگویی داشته‌ام. مسیح علی‌نژاد در اردیبهشت ۱۳۹۳ صفحه «آزادی یواشکی زنان در ایران» را در فیس‌بوک راه‌اندازی کرد که با استقبال چشم‌گیر کاربران اینترنتی داخلی و خارجی و هم‌چنین رسانه‌های مختلف و معتبر دنیا روبه‌رو شد. او پس از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ که اعتراض‌های گسترده‌ای را نیز در پی داشت، با تعداد زیادی از خانواده‌های زندانیان سیاسی و کشته‌شدگان حوادث پس از انتخابات گفت‌وگو کرد که ترجمه آن‌ها در رسانه‌های

معتبر دنیا، کمک زیادی به درک وضعیت حقوق بشر در ایران کرد.

علی‌نژاد «مهم‌ترین» تاثیر خبرنگاری حقوق بشری را این می‌داند که به مردم قدرت «برابر» با «تصمیم‌گیران و قانون‌گذاران» داده می‌شود: «مهم‌ترین تاثیری که خبرنگاری حقوق بشر دارد این است که به مردم قدرت برابر با تصمیم‌گیران و قانون‌گذاران را می‌دهد. در کشور ایران قدرت اصلی هیچ وقت بین جامعه و مردم تقسیم نشده است و همیشه کسی که تصمیم‌گیر و قانون‌گذار و مجری قانون است، هم دارای قدرت بیش‌تری در رسانه‌هاست و هم اختیار کامل برای تصمیم‌گیری برای مردم را دارد. اما وقتی که ما در صفحه‌ای مانند صفحه آزادی‌های یواشکی زنان در ایران، به زنان سهم برابر در رسانه‌ها می‌دهیم، به این معنی است که قدرت آن‌ها را با حکومت‌شان برابر می‌کنیم. به اصطلاح شهروندان را قدرتمند می‌کنیم. به همین دلیل فکر می‌کنم که این مهم‌ترین تاثیر روزنامه‌نگاری حقوق بشر است. یعنی به کسانی که صدایی ندارند، در رسانه‌های معتبر بین‌المللی صدا و پلت‌فرم می‌دهیم و به این وسیله حکومت و قانون‌گذاران را وادار می‌کنیم که آن صداها را هم بشنوند. بدین ترتیب، آن‌ها نمی‌توانند نسبت به صداها مخالفت‌شان که در رسانه‌های معتبر سهم پیدا کرده است، بی‌تفاوت باشند».

به باور مسیح علی‌نژاد تلاش «حکومت» برای «ساکت کردن بخش آسیب دیده جامعه» اقدامی منفی از طرف حکومت برای بی‌اثر کردن کار خبرنگار است: «اثر منفی تلاشی هست که حکومت انجام می‌دهد تا روی آن انگشت بگذارد تا بخش آسیب دیده جامعه را ساکت کند. به عنوان مثال یکی از تاثیرات منفی که حکومت آن‌را بسیار تبلیغ می‌کند و تلاش می‌کند تا در جامعه جا بیاندازد، این است که اگر شما حقوق‌تان نقض شده است، به جای گفت‌وگو و رسانه‌ای و افشا کردن، با حکومت لابی کنید و یا مذاکره پشت پرده داشته باشید. آن‌ها در پی این هستند که در ذهن مردم جا بیاندازند که در صورت مذاکره پشت پرده با حکومت و افشا نکردن خبرها در رسانه‌ها، به این افراد آسیب دیده امتیاز تعلق خواهد گرفت».



زندان‌ی شدن، به حرف خانواده من گوش ندهید چون که خانواده من آدم‌های رسانه‌ای نیستند. به من گوش کنید که در آزادی و در شرایط آزاد می‌گویم که در مورد زندانی شدن من اطلاع‌رسانی کنید. در این شرایط من حتماً به حرف زندانی گوش می‌دهم و نه خانواده‌اش؛ اما وقتی فردی ناشناخته بازداشت شده و ما از خواسته خود زندانی خبر نداریم، شرایط ما هم برای نوشتن خبر سخت می‌شود. تجربیات سال‌های اخیر این روزنامه‌نگار در زمینه خبرنگاری حقوق بشر و «تأثیر اطلاع‌رسانی» در مورد «زندانیان سیاسی» نشان می‌دهد زندانیانی که «گم‌نام» می‌مانند و خبررسانی در مورد آن‌ها صورت نمی‌گیرد نه تنها شرایط بهتری ندارند که حتی بیش‌تر از دیگران مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند: «من نمی‌توانم بگویم که تا چه میزان، انتشار خبرها بر روی نجات دادن جان زندانی تأثیر دارد؛ اما تجربه شخصی به من می‌گوید زندانی‌ای که در موردش خبررسانی نشده است، الزاماً شرایط بهتری ندارد. اگر به لیست افرادی که اعدام شده‌اند نگاهی بیاندازیم، غالباً آن‌هایی که گم‌نام‌تر هستند و خانواده‌های آنها سکوت کرده‌اند، بیش‌تر در معرض اعدام قرار می‌گیرند. نمونه‌های کمی هم هست که با وجود این‌که سر و صدایی هم شده، حکومت توجهی نکرده و فرد اعدام شده است؛ اما اکثریت اعدام‌شدگان کسانی هستند که خانواده‌های‌شان سکوت کرده‌اند».

به عقیده علی‌نژاد، «شبکه‌های اجتماعی» فضای موثری است که در اختیار شهروندان ایرانی قرار داده شده است: «مهم‌ترین تأثیری که شبکه‌های اجتماعی روی من گذاشت این بود که به من یاد داد خبر همیشه در انحصار سیاستمداران و در راه‌روهای سیاسی نیست. خبر گاهی وقت‌ها پیش مردم و شهروندان عادی است. من که در راه‌روهای پارلمان به دنبال نماینده‌ها می‌دویدم که با آن‌ها مصاحبه کنم، یاد گرفتم که حتی زمانی که خارج از کشور هستم با یک خط تلفن و از طریق شبکه‌های اجتماعی می‌توانم در داخل راه‌روهای پارلمان، نمایندگان را به چالش بکشم و فراتر از این می‌توانم خبر را از انحصار چهره‌های معروف و مشهور و سیاستمداران در بیآورم و فضای خبری را

در اختیار شهروندان قرار دهم. زمانی فکر می‌کردم خبرنگاری سیاسی یعنی این‌که من بتوانم رهبران سیاسی را بنشانم و به عنوان خبرنگار، آنها را به چالش کشیده و وادار به پاسخ‌گویی کنم؛ اما اکنون یاد گرفتم که به چالش کشیدن سیاستمداران و حکومتی که گوش‌اش به روی نقد و انتقاد بسته‌ست، این است که به شهروندان قدرت بدهیم و آگاهی‌رسانی و اطلاع‌رسانی کرده و در جامعه گفت‌وگو ایجاد کنیم تا در نتیجه بتوانیم حکومت را پاسخ‌گو کنیم».

«نقش مهم و موثر شبکه‌های اجتماعی» در رابطه با «نشان دادن لایه‌های مختلف اجتماعی» بحث دیگری است که وی به آن اشاره می‌کند: «ما در واقع دو ایران داریم. یک ایران در شبکه‌های رسمی جمهوری اسلامی است و دیگری ایرانی که از طریق شبکه‌های اجتماعی می‌بینیم. این بخش از ایران، ایران زیرزمینی و سانسور شده و همان ایران یواشکی است که حالا از پوسته و لایه‌ی یواشکی‌اش بیرون آمده. این اتفاق فقط از طریق شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد. وقتی به مردم از طریق شبکه‌های اجتماعی می‌بینیم که فقط آقای روحانی یا احمدی‌نژاد یا سیاستمداران نیستند که در رسانه‌هایی مانند سی‌ان‌ان، واشنگتن پست و وال استریت ژورنال حضور پیدا می‌کنند؛ بلکه یک زن معمولی از زنجان و کرمانشاه و رشت هم به همان اندازه که سیاستمداران در ستون‌های رسانه‌های معتبر سهم دارند، حضور دارند. وقتی که سهم شهروند و سیاستمدار برابر می‌شود، این قدرت است که می‌تواند تغییر ایجاد کند. شهروند تا قدرت نداشته باشد اصلاً به تغییر فکر نمی‌کند. این‌که سال‌ها صدای‌شان شنیده نشود، امیدشان به تغییر از دست می‌رود؛ ولی شبکه‌های اجتماعی این قدرت را به شهروندان می‌دهد».

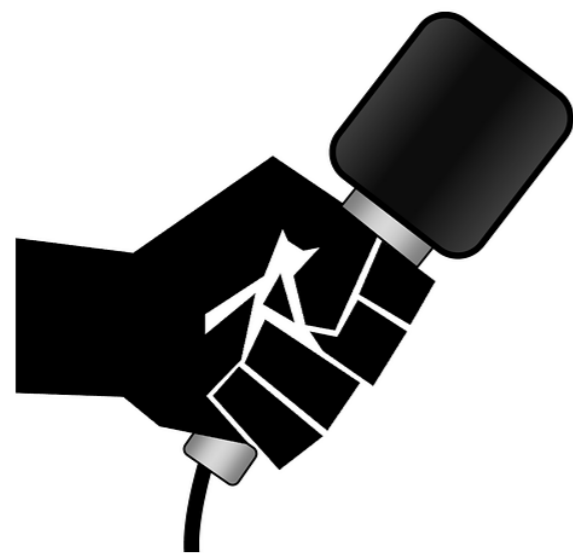
اتفاقی که برای ستار بهشتی رخ داد، بازنشر خبر کشته شدن او و ارتباط برقرار کردن مادر وی از طریق شبکه‌های اجتماعی نمونه‌ای است برای نشان دادن «اهمیت شبکه‌های اجتماعی» برای اطلاع‌رسانی: «زمانی که برای اولین بار صدای مادر ستار را از پشت تلفن شنیدم فکر کردم که یک مادر ساده و معمولی است مثل مادر خودم. اما دردی که مادر ستار از طریق شبکه‌های اجتماعی با ما و با بخش زیادی از مردم در میان گذاشت، هم‌دلی عمومی ایجاد کرد. وقتی که اطلاع‌رسانی جمعی صورت می‌گیرد؛ مادر ستار دیگر فقط یک مادر معمولی نیست؛ بلکه به فردی تبدیل می‌شود که کاترین اشتون مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در سفرش به

تهران نمی‌تواند از دیدار با او چشم‌پوشی کند. مادر ستار بهشتی در این شرایط، هم‌ردیف با همان سیاستمدارانی که کاترین اشتون با آن‌ها دیدار می‌کند. در نتیجه وقتی مردم به قدرت خودشان پی ببرند، می‌توانند با صدای بلندتری، از پستو و پنهان خارج شوند و دیگر حکومت به راحتی و بدون هزینه نمی‌تواند شهروندان‌اش را قربانی و زندانی کند».

«منفعل شدن شهروندان» در برابر «ظلم حکومت»، «سرمایه‌ای برای حفظ حکومت‌های دیکتاتوری» است و به عقیده علی‌نژاد: «بهترین راه ادامه یک حکومت دیکتاتوری این است که مردم‌اش بی‌تفاوت شوند و بگویند که چی؟ تلاش ما چه فایده دارد؟ این بهترین سرمایه برای حفظ یک حکومت دیکتاتوری است؛ ولی وقتی که رسانه‌های آزاد به شهروندان قدرت بدهند و مردم با هم‌دلی بیش‌تر در برابر ظلمی که صورت می‌گیرد، اعتراض کنند؛ حداقل نتیجه‌ای که به دست می‌آید این است که ظلم کردن حکومت بدون هزینه نیست و در مراودات بین‌المللی حکومت ایران، دنیا مطلع می‌شود که بخشی از مردم، طلبی از حکومت‌شان دارند و حکومت نمی‌تواند نسبت به طلبی که جامعه مدنی و شهروندان دارند بی‌تفاوت باقی بماند».

به گفته علی‌نژاد، ترجمه اخبار حقوق بشر به زبان فارسی و زبان‌های دیگر «مکمل» هم‌دیگر بوده و نقشی موثر در نشان دادن شرایط ایران دارند:

«ما علاوه بر این‌که به آگاهی‌رسانی داخلی نیاز داریم، به اطلاع‌رسانی وسیع در عرصه‌های بین‌المللی هم احتیاج داریم. یک عمر به ما گفته‌اند که بگذارید مشکل ایران را فقط در داخل ایران حل کنیم؛ ولی ما می‌بینیم که اکنون فضا به سمتی رفته که خود حکومت وارد مراودات بین‌المللی می‌شود و می‌خواهد در عرصه جهانی و در رسانه‌های معتبر سهم داشته باشد. در چنین شرایطی انعکاس صدای شهروندان به زبان‌های



مسبح علی‌نژاد:

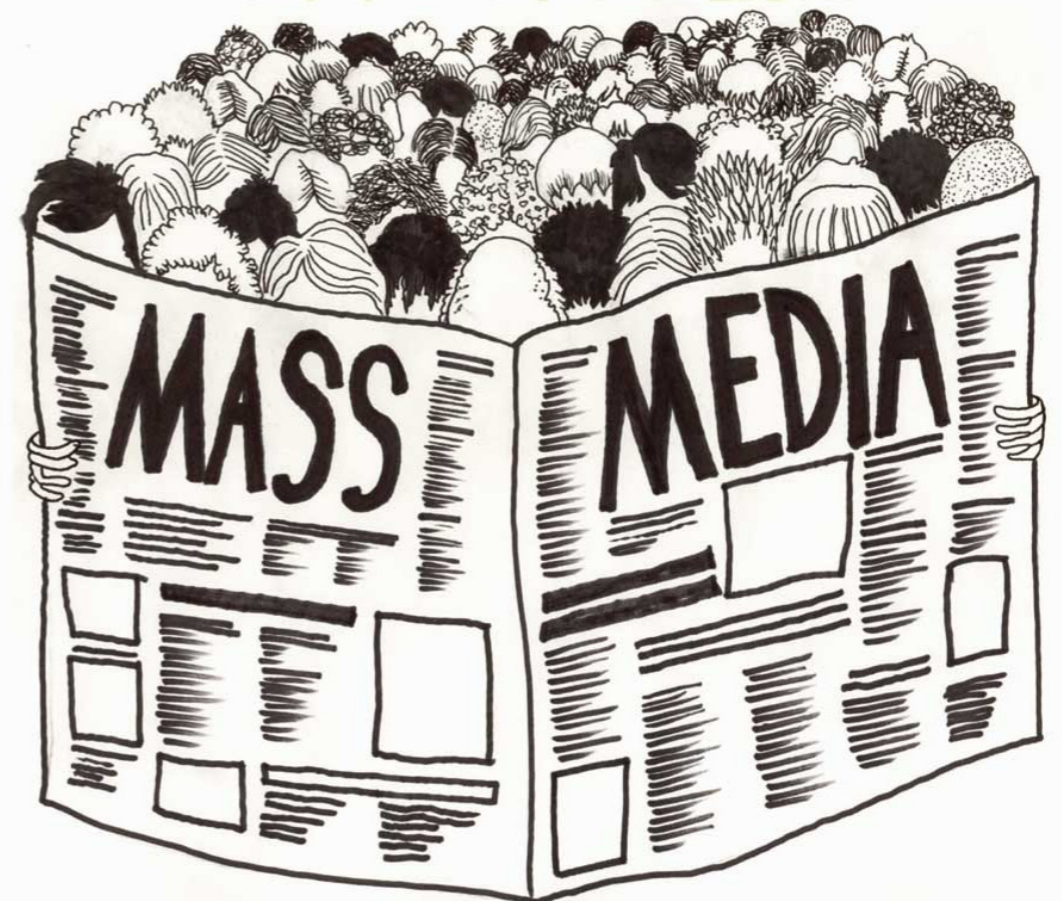
ما در واقع دو ایران داریم. یک ایران در شبکه‌های رسمی جمهوری اسلامی است و دیگری ایرانی که از طریق شبکه‌های اجتماعی می‌بینیم. این بخش از ایران، ایران زیرزمینی و سانسور شده و همان ایران یواشکی است که حالا از پوسته و لایه‌ی یواشکی‌اش بیرون آمده. این اتفاق فقط از طریق شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد. وقتی به مردم از طریق شبکه‌های اجتماعی قدرت و سهم برابر می‌دهیم، با لذت می‌بینیم که فقط آقای روحانی یا احمدی‌نژاد یا سیاستمداران نیستند که در رسانه‌هایی مانند سی‌ان‌ان، واشنگتن پست و وال استریت ژورنال حضور پیدا می‌کنند؛ بلکه یک زن معمولی از زنجان و کرمانشاه و رشت هم به همان اندازه که سیاستمداران در ستون‌های رسانه‌های معتبر سهم دارند، حضور دارند. وقتی که سهم شهروند و سیاستمدار برابر می‌شود، این قدرت است که می‌تواند تغییر ایجاد کند. این‌که سال‌ها صدای‌شان شنیده نشود، امیدشان به تغییر از دست می‌رود؛ ولی شبکه‌های اجتماعی این قدرت را به شهروندان می‌دهد

مختلف و در رسانه‌های مختلف جهانی اثرگذارتر است. به عنوان مثال اگر ما اخبار مربوط به حجاب اجباری در ایران را تنها به زبان فارسی و برای مخاطب ایرانی منتشر کنیم، یک زن سیاستمدار خارجی وقتی به ایران سفر می‌کنند و تن به حجاب اجباری می‌دهد، ممکن است هیچ پرسشی برایش ایجاد نشود. این‌که ما هر روز به فارسی خبر منتشر کنیم که زنان ایرانی حجاب اجباری را دوست ندارند یا بازداشت‌های متعدد افراد به خاطر عدم رعایت حجاب اجباری را تنها به زبان فارسی منعکس کنیم اثرگذار نیست. ما باید هم‌زمان وقتی که زنان سیاستمدار به ایران سفر می‌کنند و مقامات کشور ما به دیگر کشورها سفر می‌کنند و از دنیا می‌خواهند که به ارزش‌های اسلامی احترام بگذارند و الکل را از سر میز شام رسمی بردارند، اطلاع‌رسانی کنیم که بخش زیادی از زنان ایرانی هم همین خواسته را دارند و می‌خواهند که به ارزش انسانی و حقوق انسانی آن‌ها هم اهمیت داده شود.

علی‌نژاد معتقد است که «ضرورت اطلاع‌رسانی» در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران به صورت «جهانی» به «پاسخ‌گو کردن مقامات ایرانی» منجر می‌شود: «اطلاع‌رسانی در داخل باید ایجاد شود؛ ولی اطلاع‌رسانی بین‌المللی می‌تواند یک نوع فشار به حکومتی باشد که پاسخ‌گوی مردم خودش نیست. وقتی مقامات رسمی کشور پاسخ‌گو نیستند، زنان سیاستمدار دیگر کشورها

می‌توانند آن‌ها را پاسخ‌گو کنند. وقتی خانم ملاوردی در راهروهای سازمان ملل با حجاب اختیاری خودش راه می‌رود؛ باید کسانی بدانند که در ایران چه می‌گذرد. باید رسانه‌های بین‌المللی از این خانم سوال کنند که وقتی شما با حجاب اختیاری در خارج از ایران راه می‌روید؛ تلاش کنید تا وقتی خودتان در قدرت هستید، زنان دیگر هم در کشور شما با حق انتخاب خودشان راه بروند.»

«سخت‌گیری‌های حکومت» به این روزنامه‌نگار زمانی که وی هم‌چنان در ایران زندگی می‌کرد، موجب عدم احساس خوش‌بختی و خوش‌حالی برای او شده بود اما وی معتقد است که نباید واکنشی داشت که باعث «خوشحالی» حکومت شود: «چیزی که حکومت می‌خواهد این است که ما ساکت بمانیم. آن‌ها می‌خواهند در را به روی بخشی از منتقدین باز کنند که بروند؛ چون فکر می‌کنند وقتی از ایران بروند از شرشان خلاص می‌شوند؛ ولی به این راحتی نیست. ما زندگی‌مان دارای تاریخچه‌ایست که نمی‌توانیم آن‌را فراموش کنیم و به بیرون از ایران بیایم و به راحتی زندگی کنیم و بگوییم آن بخش از زندگی‌مان تمام شده است. ما آدم هستیم. ما مجموعه‌ای از خاطراتی هستیم که به ما گره خورده و جدانشدنی است. آیا می‌توان این‌ها را رها کرده و فقط به دنبال زندگی خودمان باشیم؟ یک عمر خوش‌حالی و خوش‌بختی ما را یک حکومت اقتدارگرا از ما گرفته است و ما نباید با سکوت خود آن‌ها خوشحال کنیم.»



## نوید خانجانی؛ چهار سال حبس بدون یک روز مرخصی



**حقوق ما-** نوید خانجانی، زندانی سیاسی بهایی از دانشجویانی بود که به دلیل اعتقادش به دیانت بهایی از تحصیل محروم شد. وی فعالیت‌های زیادی را در زمینه حق تحصیل انجام داد و شامگاه سه‌شنبه ۱۱ اسفند ۸۸ در منزل پدرش در اصفهان در حالی بازداشت شد که ۶ مامور امنیتی در ساعت ۱۱ و نیم شب اقدام به بازرسی منزل وی و ضبط وسایل شخصی او از جمله کامپیوتر کردند. خانجانی پس از بازداشت به بند ۲-الف سپاه منتقل شد. این بازداشت در حالی رخ داد که در همان روز تعدادی از فعالان حقوق بشر که با مجموعه فعالان حقوق بشر همکاری داشتند نیز بازداشت شدند.

این زندانی عضو شورای مرکزی کمیته گزارش‌گران حقوق بشر و از اعضای کمیته حق تحصیل در مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران بود که پس از بازداشت حدود ۲ ماه در زندان به سر برد و سرانجام در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۸۹ با تودیع وثیقه از زندان اوین آزاد شد.

خانجانی سپس دهم بهمن ۸۹ از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی پیرعباسی به تحمل ۱۲ سال حبس تعزیری و چهارصد هزار تومان جریمه نقدی محکوم شد که این حکم در دادگاه تجدیدنظر نیز به تایید رسید. نوید خانجانی بار دیگر در جریان بازداشت امدادگران داوطلب در تبریز دستگیر شد و ۱۵ شهریور ۹۱ جهت اجرای حکم به قرنطینه زندان رجایی‌شهر انتقال یافت.

امدادگرانی که در جریان زلزله تبریز بازداشت شدند، از سوی

مسئولان به توزیع نان کپک زده و مواد غذایی تاریخ مصرف گذشته متهم شدند. مالک اژدر شریفی رییس دادگستری آذربایجان شرقی عنوان کرد که «تعدادی افراد به نام امدادگران برای کمک به مردم زلزله‌زدهی آذربایجان شرقی وارد این منطقه شده بودند؛ اما چون اقلام و اجناسی که برای کمک‌رسانی همراه خود داشتند تاریخ مصرف گذشته بود، بازداشت شده‌اند».

محسنی اژه‌ای سخنگوی قوه قضاییه نیز در کنفرانسی مطبوعاتی مدعی شد که «در زلزله آذربایجان این افراد قصد خرابکاری داشتند». دو روز بعد سرهنگ اسماعیل اسماعیل‌زاده جانشین فرماندهی انتظامی آذربایجان شرقی گفت که «در این گروه افرادی بودند که به تبلیغ وهابیت می‌پرداختند و حتی دو نفر زندانی فراری که محکومیت طولانی هم داشتند در لباس امدادگر دستگیر شدند».

اتهامات این زندانی سیاسی «تشر اکاذیب»، «تشویش اذهان و تبلیغ علیه نظام به واسطه انتشار اخبار و گزارش‌ها و انجام مصاحبه با تلویزیون و رادیوهای بیگانه»، «عضویت در کمیته گزارش‌گران حقوق بشر» و همچنین «تشکیل گروه جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی» عنوان شده است.

در اواخر مهر و اوایل آبان ۹۲ متخصص مغز و اعصاب به نوید خانجانی که از ناراحتی دیسک کمر رنج می‌برد توصیه کرد تا سه هفته در منزل استراحت مطلق کرده و از استرس دوری کند. بر اساس نظر پزشک، اگر توصیه‌ها عملی نشود مشکلات ستون فقرات و مهره چهارم و پنجم وی بیشتر شده و نیاز به جراحی پیدا می‌کند. دادستان با درمان تحت الحفظ وی در خارج از زندان موافقت؛ اما با درخواست مرخصی درمانی وی مخالفت کرد. این زندانی سیاسی هم‌اکنون در سالن ۱۲ زندان رجایی‌شهر کرج در حالی چهارمین سال محکومیت خود را سپری می‌کند که حتی یک روز هم برای مرخصی به بیرون از زندان نیامده است.

آزار و اذیت‌های حکومت علیه شهروندان بهایی تنها در محروم کردن آن‌ها از تحصیل خلاصه نمی‌شود. در سال‌های اخیر تعداد زیادی از بهاییان بازداشت و به حبس‌های طولانی مدت و در بیش‌تر موارد بدون مرخصی محکوم شده‌اند. اموال و یا خانه‌های آن‌ها با حکم قانونی و یا بدون آن مصادره و یا تخریب شده و حتی در مواردی به تخریب گورستانی که اجساد بهاییان در آن قرار دارد نیز دست زده‌اند.

از نمونه‌های این رویدادها تخریب خانه جمال‌الدین خانجانی از اعضای شورای یاران بهایی است که در زندان به سر می‌برد. جمال‌الدین خانجانی یکی از ۷ عضو گروه یاران - شورای ۷ نفره بهایی در ایران - است که از ۲۵ اردیبهشت ۸۷ بدون مرخصی در زندان به سر می‌برد و به ۲۰ سال حبس تعزیری محکوم شده است. نوید خانجانی از دیگر اعضای این خانواده است.

سازمان عفو بین‌الملل ۱۰ اسفند ۸۹ با صدور بیانیه‌ای ضمن تاکید بر ناعادلانه بودن دادگاه نوید خانجانی، خواستار رفع اتهام از وی شد. این سازمان با اشاره به بدرفتاری‌های صورت گرفته با این زندانی سیاسی در هنگام بازداشت و همچنین روند بی‌قاعده دادگاه وی، خاطر نشان کرد که این مدافع حقوق بشر از دادگاهی عادلانه برخوردار نبوده و در صورت زندانی شدن، از زندانیان عقیدتی است که تنها به خاطر فعالیت‌های مسالمت‌آمیز حقوق بشری‌اش بازداشت و متحمل حبس شده است.

سازمان عفو بین‌الملل یادآور شد که اعترافات اخذ شده تحت زور و فشار، برابر اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی و همچنین بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ممنوع است.



## دو هفته‌نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

### صاحب امتیاز و مدیر مسئول

سازمان حقوق بشر ایران

محمود امیری مقدم

سر دبیر

مدیار سعید نژاد

ویراستار

علی مهتدی

تحریریه

علی مهتدی، شیدا جهان‌بین، آیدا قجر

صفحه‌بندی

زهرا علی‌پور

تماس با مجله

mail@iranhr.net

«حقوق ما» در ویرایش مطالب آزاد است

## خبرها

## حقوق ما



موسوی ۴۱ ساله را عفو کند. در این نامه آمده است: «ما عمیقاً نگران مجازات‌های غیرانسانی‌ای هستیم که خانم اختصاری و آقای موسوی فقط به دلیل بیان هنری، به آن محکوم شده‌اند». این گروه با اشاره به سابقه آیت‌الله خامنه‌ای در سرودن شعر و همچنین تاریخ غنی شعرسرایی در ایران، آن را دلیل خوبی برای مداخله او در این پرونده دانسته و گفته: «ما به عنوان شاعر و شعرشناس، از شما تقاضا داریم اجازه ندهید رفتار غیرقابل توجیه با این دو نویسنده، این میراث را تحت‌الشعاع قرار دهد».



آنها خواهند گرفت». به گزارش ایسنا وی با انتقاد از اسامی برخی مغازه‌ها و خیابان‌ها در سطح شهر گفت: «به عنوان نمونه بر سر در یک مغازه نوشته شده است «گوشت‌فروشی ثامن الائمه» یا «لاستیک فروشی قمر بنی هاشم». این به دور از اخلاق و منش اسلامی است. برای چه نام خیابان میرداماد بدون پیشوند «علامه» استفاده شده است؟ برای بیننده این سوال پیش می‌آید که مقصود از این میرداماد امام جمعه موقت اصفهان است یا علامه میرداماد؟»

در پی محکومیت فاطمه اختصاری و مهدی موسوی به مجموعاً بیش از ۲۰ سال حبس، «مرکز آمریکایی قلم» نامه‌ای به امضای ۱۱۶ شاعر برجسته غربی به رهبر ایران را منتشر کرده که در آن با اشاره به علاقه شخصی او به شعر، خواستار مداخله‌اش در این پرونده شده‌اند. به گزارش بی‌بی‌سی، مرکز آمریکایی پن که وابسته به موسسه‌ای بین‌المللی به همین نام است، برای آزادی بیان در سراسر جهان تلاش می‌کند. روزنامه نیویورک تایمز یکشنبه گزارش داد که در طول این مرکز از آیت‌الله خامنه‌ای خواسته شده که فاطمه اختصاری ۳۱ ساله و مهدی

سیدمجتبی میردامادی امام جمعه موقت اصفهان با انتقاد از اجرای ارکسترهایی در برخی رستوران‌های شهر گفت: «غرب به دنبال نفوذ فرهنگی و اقتصادی در ایران و فراهم کردن زمینه‌های ورود فرهنگ مبتذل و کثیف غربی در کشور است. تصمیم این رستوران‌ها چه با مجوز و چه بدون مجوز خالی از اشکال نیست و اگرچه از عمومیت این مساله اطمینان کافی ندارم؛ اما خطیان امر بدانند که در صورت تداوم این حرکت، دغدغه‌مندان جامعه عرصه عمل را از



سال متوالی است که وضعیت آزادی اینترنتی در جهان بدتر می‌شود. در این گزارش در خصوص وضعیت ایران نوشته شده: «در ایران، اقدامات مثبت توسط حسن روحانی رئیس‌جمهور و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات باعث افزایش پهنای باند و توسعه نسل سوم شبکه تلفن همراه در سراسر شبکه‌ها شده است؛ اما علی‌رغم سخنان اصلاح‌گرایانه رئیس‌جمهور، راه بهبود وضعیت در زمینه آزادی‌های اجتماعی همچنان از سوی رهبر جمهوری اسلامی و هیات حاکمه محافظه‌کار مسدود مانده است».

خانه آزادی (فریدم هاوس)، نهادی که آزادی‌های مدنی در جهان را رصد می‌کند، در تازه‌ترین گزارش خود خبر می‌دهد که طی سال گذشته بیشترین سانسور اینترنت از سوی چین انجام شده است و پس از چین، سوریه و پس از آن ایران در این زمینه در رتبه‌های بعدی قرار دارند. به گزارش رادیو فردا بهترین وضعیت آزادی اینترنتی در جهان در سال ۲۰۱۵ در کشور ایسلند برقرار بوده است. پس از آن به ترتیب استونی، کانادا، آلمان، استرالیا و ایالات متحده قرار دارند. بر اساس این گزارش، سال ۲۰۱۵ پنجمین



با تاکید بر این‌که افراد مبتلا به ایدز نیاز به «حمایت‌های اجتماعی و معنوی» دارند، گفت: «آن‌قدر با بیماران بد برخورد می‌شود، آن‌قدر با تبعیض مواجه می‌شوند که افراد با رفتارهای پرخطر و کسانی که در معرض خطر هستند، از آزمایش می‌ترسند. در نتیجه به دلیل ترس از این رفتارها، تن به آزمایش هم نمی‌دهند».

محمدرضا سیدقاسمی، مدیرعامل موسسه خیریه «پیام‌آوران همیاری» که به مبتلایان به بیماری ایدز کمک می‌کند، در گفت‌وگویی با خبرگزاری کار ایران گفت که در مواردی شاهد بودند که مدارس، کودکان مبتلا به ایدز را اخراج کرده یا مادران شاغل و مبتلا به این بیماری، از بی‌کار شدند. به گزارش دوپچه‌وله، قاسمی